



سرشناسه	: کاجی، حسین، ۱۳۴۷ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: خط عاشقی: خاطرات عشق شهدا به امام رضا (علیه السلام)
مشخصات نشر	: م: حماسه یاران، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۸۸ ص: مصور(بخشی رنگی).
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۴۲۸۸-۸-۸
وضعیت فهرست نویسی: فیبا	
موضوع	: علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳ق - ۲۰۳ق.
موضوع	: جنگ ایران و عراق، ۱۳۶۷-۱۳۵۹ - شهیدان
موضوع	: شهیدان - ایران - بازماندگان - خاطرات
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳: ۶۳۳/۱۴: DSR۱۶۲۵
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲:
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۳۳۹۹۹

عنوان: خط عاشقی (۳) / خاطراتی از عشق

شهدا به امام رضا (علیه السلام)

تهیه و تولید: اداره تولیدات فرهنگی

گردآوری و تدوین: حسین کاجی

بازنویسی: مهدی قربانی

ارزیابی علمی: حجت الاسلام والمسلمین

سید محمود مرویان حسینی

طراحی جلد و صفحه آرایی: عباس پرچی

ناشر: حماسه یاران

چاپخانه: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان

قدس رضوی

نوبت چاپ: چهارم، پاییز ۱۳۹۶

شمارگان: ۱۰۰۰۰

نشانی: حرم مطهر، صحن جامع رضوی،

ضلع غربی، مدیریت فرهنگی

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۷

حق چاپ محفوظ است.



خط عاشقی

خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

فہرست

- ۷ شہید اسد اللہ کشمیری
- ۸ شہید احمد کشوری
- ۹ شہید محمد حسین دلدار
- ۱۰ شہید محمد قاسمیان شیروان
- ۱۱ شہید غلام علی قائد رحمتی
- ۱۲ شہید غلام رضا فروتن مقدم
- ۱۳ شہید ابوالقاسم سنگسری
- ۱۴ شہید انوشیروان رضایی فاضل
- ۱۵ شہید مهدی زین الدین
- ۱۶ شہید محمد علی نیکنامی
- ۱۷ شہید حسین کشاورز یان
- حجت الاسلام والمسلمین شہید سید علی
- ۱۸ اندرزگو
- ۱۹ شہید حسین غنیمت پور
- ۲۰ شہید حاج عباس عاصمی
- ۲۱ طلبہ شہید مرتضی سلیمی
- ۲۲ شہید مفقود الجسد غلام علی علیزادہ
- ۲۳ شہید حسن شوکت پور
- ۲۴ شہید حسن تاجیک
- ۲۵ شہید محمد جواد نصر اصفہانی
- ۲۶ شہید سید نور اللہ یزدانی
- ۲۷ شہید محمد رضا نظافت
- ۲۸ شہید اصغر قجاوند

فہرست

- ۲۹ شہید محسن گلستانی
- ۳۰ شہید حاج رضا قائمی
- ۳۱ شہید رضا خضرائی راد
- ۳۲ طلبہ شہید حسن سربندی فراہانی
- ۳۳ شہید احمد اللہ یاری
- ۳۴ شہید محمد ربانی
- ۳۵ شہید حسن گودرزی
- ۳۶ شہید حسن انفرادی
- ۳۷ شہید سید حسن کاظمی
- ۳۸ شہید سید زین العابدین نبوی
- ۳۹ شہید حیدر بیدخام
- ۴۰ شہید علی صحراگرد
- ۴۱ شہید گمنام
- ۴۲ طلبہ شہید محمد رضا عاشور
- ۴۳ شہید حسن بہرامی
- ۴۴ شہید محمد رضا توجرجی زادہ
- ۴۵ شہید ناصر کاظمی
- ۴۶ شہید محمد رضا عسگری
- حجت الاسلام والمسلمین شہید علی
- ۴۷ مزاری
- ۴۸ شہید سیف اللہ قاسمی
- ۴۹ شہید محمد عبدی
- ۵۰ شہید غلام علی رجبی

فهرست

- ۷۲ شهید حسن آبشناسان
حجت الاسلام والمسلمین شهید عبدالله
میثمی ۷۳
شهید سید حسین علم الهدی ۷۴
شهید حاج محمد کلاته ای ۷۵
شهید گمنام ۷۶
شهید رضا ابوطالب زاده سرابی ۷۷
شهید محمد عبدیان ۷۸
شهید محمد اولیایی ۷۹
شهید حسن تهرانی مقدم ۸۰
شهید محمد باقر صادق جوادی ۸۱
شهید محمد تیموریان ۸۲
شهید حسینعلی قلعه زمانی ۸۳
شهید قربان محمد محمدی ۸۴
شهید علیرضا شهبازی ۸۵

فهرست

- شهید حسین نوروزی ۵۱
شهید حسن آقاسی زاده شعریاف ۵۲
شهید ولی الله چراغچی سجدی ۵۳
شهید قربانعلی عرب عامری ۵۴
حجت الاسلام والمسلمین شهید
اسماعیل مهاجر منقوش ۵۵
شهید محمد مهدی خادم الشریعه ۵۶
شهید حاج احمد کاظمی ۵۷
شهید علی دیایی ۵۸
شهید سید عباس میرطاووسی ۵۹
شهید سید علی حسینی ۶۰
شهید حسن باقری ۶۱
شهید علی اصغر نایب درودی ۶۲
شهید یوسف عامری ۶۳
شهید حسن مصطفوی ۶۴
شهید محمد حسین مهاجر قوچانی ۶۵
شهید عبدالحسین برونسی ۶۶
شهید سید محمد صنیع خانی ۶۷
حجت الاسلام والمسلمین شهید سید
محسن روحانی ۶۸
شهید محمد فتحی ۶۹
شهید عباس برغمندی ۷۰
شهید محمد حسن ترا بیان ۷۱

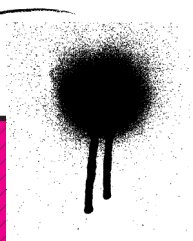
سلام آقا جان. سلام به محضر نورانیات که رؤوف امامانی. سلام به تو. سلام از جانب درمانده‌ای که اکنون در جوارت روایتگر شور شیدایی یاران خراسانیات شده است که تجسم عشق و ارادت به ساحت ملکوتیات بودند. روایت همان‌ها که در این حرم، رمز و راز چگونه‌خواستن را به ما آموختند و با اشک، ناله، روضه و قسم‌دادن به جان مادرت زهرا علیها السلام گرفتند آنچه را طلب می‌کردند: اذن شهادت را و برای همیشه جاودان‌شدن در جوار دلپذیرتان را.

این مختصر، روایت دل‌بستگی و دلدادگی آهوان سرگشته کوی شماس. شرح این دل‌شیفتگی، حدیثی مفصل است؛ اما همین اندازه هم شاید کفایت کند تا نسل امروز که نه جنگ را دیده و نه عطر حضور شهیدان خدایی را استشمام کرده است، بداند در عرصه مشکلات و گرفتاری‌ها، ملجأ و پناهگاهمان و در مسیر برآورده‌شدن حوائج، کوتاه‌ترین و بهترین راهمان، شما خانواده جود و کرم هستید.

حالا با تمام وجود می‌گویم و می‌نویسم: «آدم ای شاه، پناهم بده!» به این امید که همچون یاران سفرکرده‌ام، مرا نیز پناه دهید!

دیدارمان همان جا که خود وعده کرده‌اید!

مینا





شهادت: مریوان، عملیات
کربلای (۷)، ۱۳۶۴

شاه شهید
انسان الله
پیری



فرمانده محور
تیپ ویژه شهدا

راوی: خواهر شهید
مزار شهید: گلزار
شهدای روستای
قرقی

تولد: مشهد، روستای
حسین آباد قرقی، ۱۳۴۱

سنی نداشت. هنوز مدرسه می‌رفت. توی
عالم کودکانه خودش نذر کرده بود که اگر در
امتحان‌هایش قبول شد، برای کبوترهای حرم
امام رضا علیه السلام گندم ببرد.

نذر کبوترها ردخور نداشت! قبول که می‌شد،
می‌رفت پیش پدرم و می‌گفت: «بابا، سهمیه
کبوترای امام رضا علیه السلام رو از خرمن گندم‌هاتون
بذارید کنار تا براشون ببرم.»

یک کیسه کوچک گندم برمی‌داشت و می‌رفت
حرم، سراغ کبوترهای امام رضا علیه السلام.^۱

۱. نک: فهیمه محمدزاده، حریف شب، ص ۱۳.





شهادت: ایلام، منطقه عمومی میمک،
تنگه بینا، ۱۳۵۹

تولد: فیروزکوه، ۱۳۳۲

شهید
احمد
کشوری

راوی: مادر شهید

مزار: تهران، بهشت

زهرا علیها السلام

احمد اولین فرزندم بود. موقع بارداری اش دل توی دلم نبود! خیلی می ترسیدم؛ چون سابقه مرگ نوزاد در فامیل ما زیاد بود. خدا خدایم کردم برای بچه ام اتفاقی نیفتد. به دنیا که آمد، مدام مریض می شد؛ آن قدر که دیگر دکترها هم قطع امید کردند. حسایی ناامید شده بودم. احساس کردم که دیگر راه چاره ای نیست. رفتم سراغ طبیب واقعی: امام رضا علیه السلام ضامن شد و احمدم شفا گرفت.^۱

۱. نک: روزنامه جمهوری اسلامی، ۲۵ فروردین ۱۳۸۷.



شهادت: پنجوین، عملیات
الفجر (۴)، ۱۳۶۲

تولد: کاظمین، ۱۳۴۶

شهادت
مجاهد حسین
مبارک



راوی: پدر شهید
مزار: مشهد،
بهشت رضا علیه السلام

دل و دلدارش امام رضا علیه السلام بود. بعد شهادتش، خوابش را دیده بودند که توی حرم امام رضا علیه السلام بوده است و عکسش هم با عکس چند شهید دیگر، روی دیوار حرم. وقتی پرسیده بودند آنجا چه کار می‌کند، گفته بود: «امام رضا علیه السلام من رو طلبیده: برای همین اینجا می‌م.

روی حساب همین علاقه‌اش بود که جنازه‌اش را مشهد دفن کردیم، در بهشت رضا علیه السلام.^۱

خط عاشقی

خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

م

۱. نک: منصور انوری، قربانگاه عشق، ص ۶۴ و ۶۵.

دردار

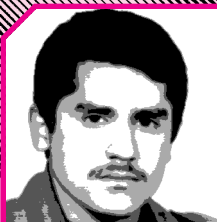
قاسمیان

آن قدر حرم می‌رفت که توی خانه معروف شده بود به «کبوتر حرم». چندین بار به خانواده‌اش گفته بود: «من وقتی جبهه هستم، لطف خدا شامل حالم می‌شه و از همه کس و همه چیز منقطع می‌شم؛ ولی دلم پر می‌کشه برای زیارت امام رضا (علیه السلام)»

کنکور که داد، دانشگاه علوم مشهد قبول شد. انگار که بال درآورده باشد، خوشحال بود! درس خواندن در جوار علی بن موسی الرضا (علیه السلام) برایش لذت دیگری داشت!

آخرین باری که اعزام شد، اول رفت حرم و یک دلِ سیر زیارت کرد. چیزی طول نکشید که پیکر بی‌جان‌ش برگشت. وقتی وصیت‌نامه‌اش را باز کردند، نوشته بود: «بدنم را ببرید کنار قبر امام رضا (علیه السلام) و برایم زیارت‌نامه بخوانید.»^۱

۱. برگرفته از پرونده شهید در بنیاد شهید و امور ایثارگران استان خراسان رضوی.



تولد: شیروان،
۱۳۴۳

شهادت: شلمچه،
۱۳۶۵

شهید
قاسمیان
شیروان

مزار: شیروان،
امامزاده حمزه (علیه السلام)

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا (علیه السلام)

قائد احمد

نازه آمده بود مرخصی. هنوز خانواده و قوم و خویش را حسابی ندیده بود که یک باره هوایی شد و گفت: «باید برم پابوس امام رضا علیه السلام». هرچه اصرار کردیم که چون تازه آمده است، این چند روز مرخصی را پیش خانواده بماند، زیر بار نرفت. روی حساب رفاقت و صمیمیتی که داشتیم، کشیدمش کنار و گفتم: «وقت زیاده. چه اصراریه که الان بری؟» گفت: «به شرطی بهت می گم که رازدار باشی. می خوام برم از آقا شهادت بخوام.» ساکش را برداشت و رفت پابوس امام غریب. همان سفر مشهد و پابوسی ضامن غریبان، کار خودش را کرد: از مشهد که آمد، عازم جبهه کردستان شد و چیزی نگذشت که خبر شهادتش آمد.^۱



تولد: دورود، ۱۳۴۱

شهادت: سانحه

رانندگی هنگام

مأموریت، ۱۳۶۷

شهید پید

شادمان

قائد احمدی

راوی: مجید پادزهر

مزار: گلزار

شهدای دورود

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۱۱

۱. نک: معاونت فرهنگی پژوهشی بنیاد شهید انقلاب اسلامی

استان لرستان، یاد یاران، ص ۲۴ و ۲۵.

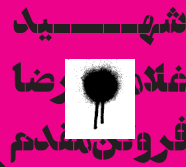


شهادت: اصفهان، سانحه هوایی، ۱۳۷۹

تولد: تهران، ۱۳۴۶

می‌گفت: «من غلامرضا هستم و چاکر امام‌رضا علیه السلام باید هرطوری شده، سالی یک بار برم پابوس آقا.» این زیارت جزئی از برنامه هرساله اش بود. هر سال برای ۲۴ ساعت هم که شده بود، یک سفر می‌رفت مشهد.^۱

یک بار در یکی از دوره‌های آموزشی، دو روز مرخصی خواست. علت را که پرسیدم، گفت: «من هرسال می‌رم پابوس امام‌رضا علیه السلام ولی امسال هنوز قسمتم نشده. اگه اجازه بدید، این مرخصی رو برای سفر مشهد می‌خوام.»^۲



مزار: گلزار شهدای اصفهان

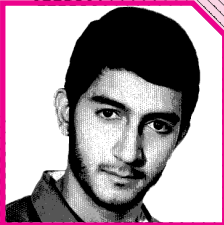
خط عاشقانه ● خاطراتی از عشق شهدا به امام‌رضا علیه السلام

۱۲

۱. راوی: سرگرد محمدعلی مشایخی.

۲. راوی: سرگرد مجتبی روحانی.

۳. نک: علیرضا پوربزرگ وافی، اهالی آسمان، ص ۲۴۹ و ۲۵۰.



شهادت: شلمچه،
ربلای (۵)، ۱۳۶۵

تولد: سرخه، ۱۳۴۷

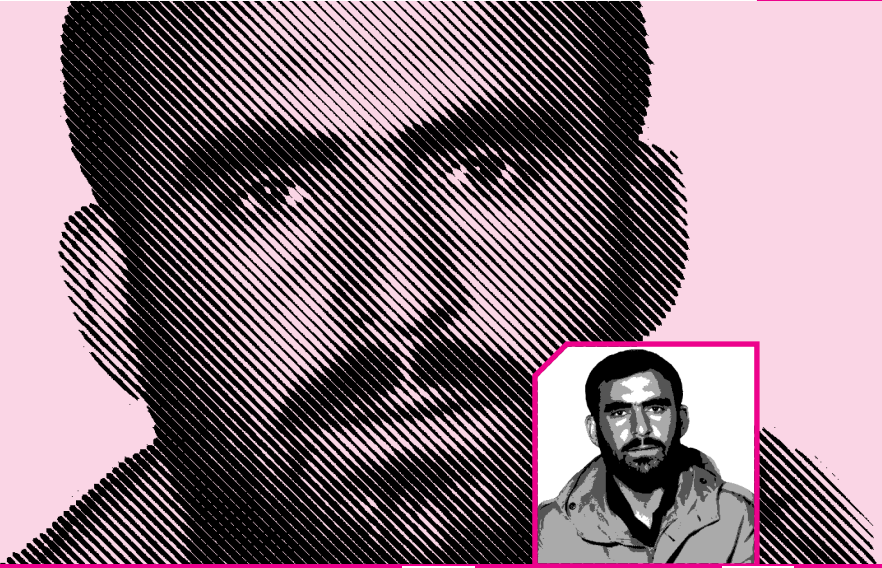
شهر شهید



راوی: حسن ادهم
مزار: گلزار
شهدای سرخه

همه بچه‌هایی که با ما بودند، دو تا پلاک داشتند؛ چون قبلاً جزو تیپ امام رضا علیه السلام بودیم و وقتی تیپ (۱۲) مستقل قائم علیه السلام تشکیل شد، منتقل شدیم. به ما گفته بودند که موقع عملیات، پلاک تیپ امام رضا علیه السلام را از گردنمان برداریم. گفتم: «ابوالقاسم، پلاک تیپ امام رضا علیه السلام رو از گردنت بردار.» گفت: «نه، بذار باشه. می‌خوام اگه شهید شدم، برم زیارت امام رضا علیه السلام». همان‌طور هم شد: پیکرش را به‌اشتباه بردند مشهد و بعد از طواف، شناسایی شد و آوردندش سرخ

۱. نک: جمعی از نویسندگان دفاع مقدس، فرهنگ شهروستان سمنان، ج ۵، ص ۱۳۸.



شهادت: شلمچه، عملیات کربلای (۵)، ۱۳۶۵

تولد: شروان،
روستای بیک، ۱۳۴۲

رسم بود بچه‌ها شب عملیات پیشانی‌بند می‌بستند. آن شب، چشمم به سردار فاضل افتاد. احساس کردم چهره‌اش با روزهای پیش فرق کرده است. یک پیشانی‌بند هم بسته بود. رفتم جلو. خوب که نگاه کردم، روی پیشانی‌بندش نوشته بود: «یا امام رضا (علیه السلام)». گفتم: «امشب نوربالا می‌زنی! آگه خبری هست، ما رو هم تحویل بگیر.» خندید و گفت: «برکت اسم امام‌رضاست؛ وگرنه ما که کسی نیستیم.» همان شب، با ند «یا امام رضا (علیه السلام)» کربلایی شد.^۱

ای، کاش ما هم (۲۷).

شاهین پید
انور پیروان
رضایی فاضل

مزار: گلزار شهدای
روستای زیارت

خط عاشقی

خطراتی از عشق شهدا به امام رضا (علیه السلام)

۱۴

رضایی

با آقامهدی و شهیدصادقی^۱ رفته بودیم شاهرود، برای بررسی مشکلات سپاه و بسیج آنجا. شهیدزین‌الدین روی بچه‌های شاهرود خیلی حساب باز می‌کرد. این نیروهای زبده، رزمندگان گردان کربلای لشکر (۱۷) بودند. کارمان که تمام شد، سوار ماشین شدیم که برگردیم؛ اما آقامهدی با لبخند و ملایمت جلو آمد و گفت: «حاج‌آقا، تا مشهد راهی نمونده. اگه قبول کنید، بریم زیارت و برگردیم. زیاد طول نمی‌کشه.» تا آدم حرفی بزنم، شهیدصادقی نشست پشت فرمان و دور زد سمت مشهد.

نزدیک مشهد که رسیدیم، حال‌وهوای شهیدزین‌الدین دیدنی بود: سکوت کرد و رفت توی خودش. تمام حواسش جمع امام‌رضا علیه‌السلام بود. وقتی رسیدیم، اولین کاری که کرد، غسل زیارت بود؛ بعد هم راه افتاد سمت حرم و تا صبح آنجا ماند.

هنوز هم که هنوز است، حسرت آن و حال‌هایش را می‌خورم: حسرت آن اشک‌ها و ناله‌ها و بیداری سحرگاهی‌اش را.^۲



تولد: تهران،
۱۳۳۸

شهادت: جاده
بانه سردشت،
۱۳۶۳

شهادت پیدایش

شهادت زین‌الدین

فرمانده لشکر ۱۷
علی بن ابی طالب علیه‌السلام

راوی: مرحوم حجت‌الاسلام
والمسلمین ایرانی

مزار: قم، گلزار شهدای
علی بن جعفر علیه‌السلام

خط عاشقی

خاطراتی از عشق شهدا به امام‌رضا علیه‌السلام

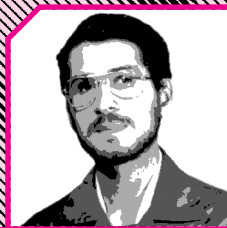
۱۵

۱. شهید اسماعیل صادقی مسئول ستاد لشکر (۱۷)

علی بن ابی طالب علیه‌السلام بود که در عملیات ۱۵ خرداد

۲. نک: روزنامه جمه‌وی، ۱۰/۱۰/۶۷

شهید مهدی زین‌ال



شهادت: شلمجه، ۱۳۶۵

تولد: مشهد، ۱۳۴۳

با امام رضا علیه السلام قرارومدارهایی گذاشته بود. خودش را مقید کرده بود به اینکه هر هفته، دو شب برای زیارت برود حرم. با اینکه خیلی به هم نزدیک بودیم و حتی حرفهایی که توی دلمان بود و نمی شد برای کسی بازگو کرد، برای هم می گفتیم، محمدعلی هیچ وقت از جزئیات این قرارها و ساعت رفتنش به حرم چیزی نگفت. به نظرم می آید که همان قرارومدارها و زیارت در ساعت های خاص بود که محمدعلی را آسمانی کرد.^۱

شهادت
محمدرضا
نیکناهی



راوی: دوست شهید
مزار: بهشت رضا علیه السلام

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۱۶

۱. نک: پایگاه اطلاع رسانی کنگره بزرگداشت سرداران و ۲۳۰۰۰ شهید استان های خراسان.

نیکناهی



تولد: بهشهر، ۱۳۴۰

شهادت:

ام الرصاص، ۱۳۶۵

شهرپیدا

حسین

کشاورزبان

راوی: مادرشید

مزار: بهشهر

بهشت فاطمه علیها السلام

خط عاشقی

خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۱۷

کشاورزبان

رعینِ سختی

ردند: «چرا این قدر

می کنی؟» عرض کردم: «آقا،

تابِ جانم کم شده!» نظر لطفی کردند و باز

فرمودند: «چه می خواهی؟» گفتم: «آقا جان،

شما اول شفایم بدهید؛ بعد هم شهادت را

نصیبم کنید.»

شفایش را از امام رضا علیه السلام گرفته بود.

برای شهادتش هم فرموده بودند: «وقتی

به شهادت می رسی که ازدواج کرده باشی.»

روی همین حساب، سریع برای ازدواج اقدام

کرد. برایش خواستگاری رفتم و چیزی

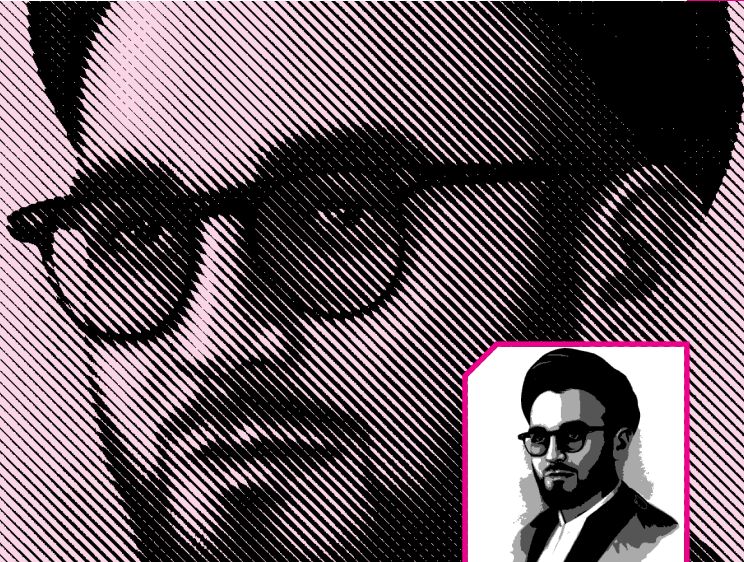
نگذشت که رخت دامادی پوشید. وعدهٔ

امام رضا علیه السلام خیلی زود تحقق پیدا کرد. رخت

دامادی که پوشید، رخت شهادت را به تنش

پوشاندند.^۱

۱. نک: نشریهٔ سبز سرخ، ش ۱۸، ص ۳.



شهادت: تهران، ۱۳۵۷

تولد: تهران،
۱۶ مرداد ۱۳۱۶ ش

رابطه‌مان خیلی دوستانه بود؛ اما نمی‌دانستم که زن و بچه‌اش را برده است مشهد. وقتی فهمیدم، علت را پرسیدم که چرا با اینکه امکانات در تهران بیشتر است، آن‌ها را برده است مشهد! گفت: «من اونجا تکیه‌ام به امام‌رضا است. روزی که با زن و بچه‌ام رفتم مشهد، از دور، همین که چشمم به گنبد امام افتاد، گفتم: 'یا امام‌رضا علیه السلام، من در راه شما جهاد می‌کنم. اگه خودم توی این راه کشته بشم، عیبی نداره؛ اما زن و بچه‌ام رو به شما می‌سپارم که در پناه شما باشند.'^۱

شاهپسند
حجت‌الاسلام
والعالمین
سیدعلی
اندرزگی

راوی: حسین غفاریان
مزار: تهران، بهشت
زهرا علیها السلام

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام‌رضا علیه السلام

۱. نک: محمد عزیزی، سفر صبح، ص ۴۲۳.

غنیبت پیور

س وقف جبہہ۔
حضور داشت. به محض
ایات تمام می شد و می آمد برای
مرخصی، اولین کاری که می کرد، این بود که
می رفت مشهد. یک بار پرسیدم: «حسین،
چرا این قدر مشهد می ری؟» گفت: «من با
علی بن موسی الرضا علیه السلام عهد و پیمانی دارم.»
آن روز، از حرف هایش سر در نیاوردم. اصرار
هم نکردم که چه عهد و پیمانی دارد؛ تا اینکه
شہید شد.

از جنازه اش خبری نبود. پانزده روز دنبالش
می گشتم. یک روز خبر آوردند که جنازه اش از
مشهد برگشته است.

حسین این بار هم رفته بود پای عهد و
پیمانش: پابوس امام رضا علیه السلام!

۱. نک: اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدس استان
سمنان، خلوت خاطره ها.



تولد: شاهرود، ۱۳۴۱

شهادت: شلمچه،
عملیات کربلای (۵)،
۱۳۶۵

شہید
حسین
شہید پیور

فرمانده گردان کربلا
از تیپ (۱۲) حضرت
قائم علیه السلام

راوی: پدر شهید
مزار: گلزار شهدای
شاهرود

عاشقی

از اول، زندگی اش با امام هشتم علیه السلام گره خورده بود. وقتی می‌خواست عروسی کند، به‌جای خرج‌های معمول عروسی در آن روزها، دست‌زنش را گرفت و باهم رفتند پابوس امام رضا علیه السلام. آن سال‌هایی که در مناطق جنگی جنوب و غرب کشور، مشغول تفحص پیکر مطهر شهدا بود و شبانه‌روز و بدون چشم‌داشت کار می‌کرد تا بتواند پدر و مادر شهیدی را از چشم‌انتظاری در بیاورد، هر جا کار گره می‌خورد و مدتی در منطقه از شهید خبری نمی‌شد، برویجه‌های تفحص را جمع می‌کرد و می‌برد مشهد. برگشتن از زیارت همان و پیداشدن شهید، همان!

حالا که خوب فکر می‌کنم، با خودم می‌گویم: «نکنند شهادتش را هم از امام رضا علیه السلام گرفته باشد، توی همان سفر آخر به مشهد!»^۱

۱. برگرفته از اسناد موجود در موسسه فرهنگی حماسه هفده.



تولد: ق.م. ۱۳۴۶

شهادت: سردشت،
۱۳۹۰

شهید
حاج عباس
عاشقی

فرمانده اطلاعات سپاه
علی بن ابی طالب علیه السلام قم

راوی: حاج حسین کاجی

مزار: قم، گلزار شهدای
علی بن جعفر علیه السلام

خط عاشقی

خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۳۰



شهادت: ماووت،
لیات نصر (۴)، ۱۳۶۶

تولد: تهران، ۱۳۵۱

طاب‌الله شهید
مرغضی
ساییدی

راوی: مادر شهید
مزار: تهران، بهشت
زهرا علیها السلام

آخرین دفعه، قبل از اعزام رفت پابوس امام رضا علیه السلام وقتی برگشت، دیدم گلویش گرفته است. پرسیدم: «چی شده؟» گفت: «جاتون خالی مادر جون! توی حرم سینه زنی مفصلی داشتیم.» پیراهنش را زدم کنار، سینه اش بدجوری سرخ شده بود. به گمانم امام رضا علیه السلام در همان سفر، برگ شهادتش را امضا کرد. دیگر برنگشت تا شهید شد.^۱

خط عاشقی

خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۲۱

۲۴۱۰۰۰

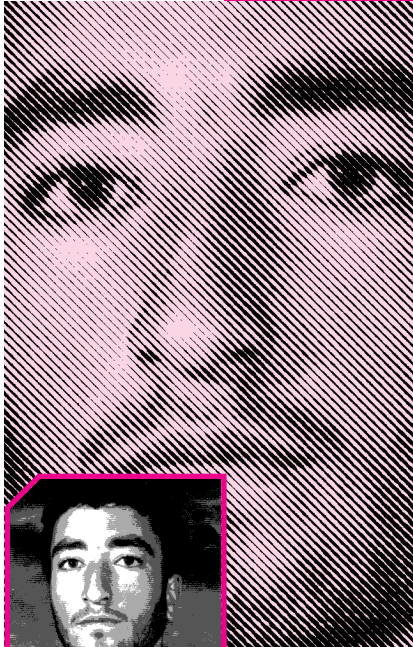
۱. نک: ابوا

ساییدی

علیه‌السلام

آریں . رز . بر - بسم رب شهید .
حال و هوای متفاوت غلامعلی را حس کرده
بودم؛ اما بی‌قراری‌اش را که در حرم
امام رضا علیه‌السلام دیدم، فهمیدم که دیگر ماندنی
نیست. وقتی وارد حرم شدیم، اشک از
چشمانش سرازیر شد. انگار در عالم دیگری
سیر می‌کرد. هوایش را داشتیم. رفت سمت
ضریح و گوشه‌ای نشست به راز و نیاز. دست
به دعا برداشته بود و با گریه و تضرع،
چیزهایی از خدا می‌خواست. بعد زیارت،
باهم رفتیم کنار پنجره فولاد. شبکه‌های
پنجره را توی دستش گرفت و گفت: «یا
امام رضا علیه‌السلام، من می‌خوام شهید بشم. خود
شما شهادت رو نصیب کنید!»
وقتی شهید شد، یقین کردم که امضای
شهادتش به دست امام رضا علیه‌السلام بوده است.^۱

۱. نک: پایگاه اطلاع‌رسانی کنگره بزرگداشت سرداران و ۲۳۰۰۰ شهید استان‌های خراسان.



تولد: تاباد، روستای
قلعه‌نو، ۱۳۴۵

شهادت: محور
سلیمانیه پنج‌سویں،
عملیات والفجر (۸)،
۱۳۶۴

شهید
مفقود الجسد
شکوه ملی
علیه‌السلام

راوی: همسر شهید

خط عاشقی

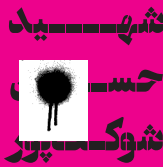
خطراتی از عشق شهید به امام رضا علیه‌السلام

۲۲



شهادت: فاو، عملیات
فجر (۸)، ۱۳۶۴

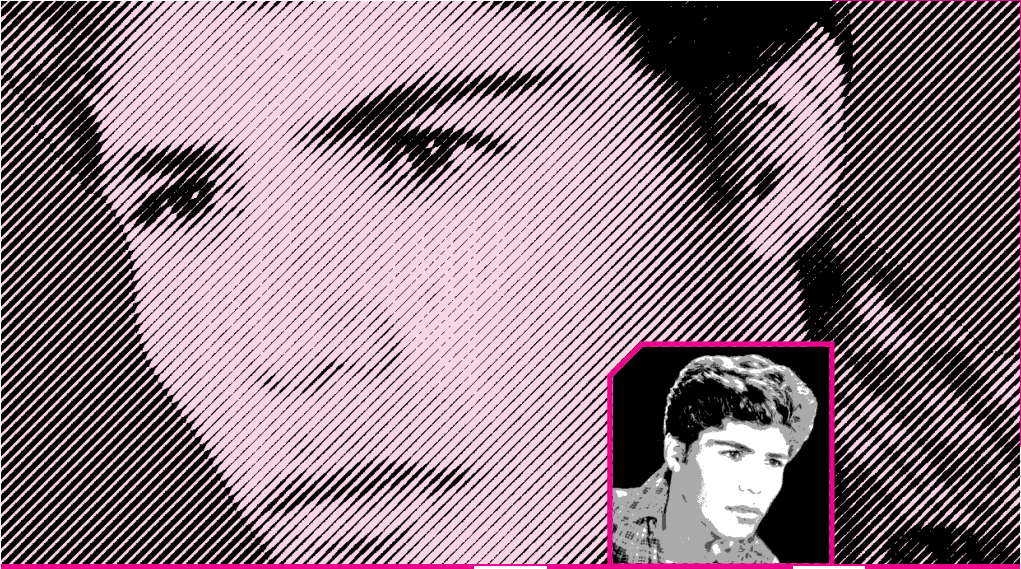
تولد: سمنان، مهدی شهر،
روستای درجزین، ۱۳۳۱



راوی: همسر شهید
مزار: گلزار
شهدای درجزین

خطبه عقد که خوانده شد، سرش را نزدیک آورد و پرسید: «با یک سفر چطوری؟» پرسیدم: «کجا؟» گفت: «دلت می‌خواد کجا بریم؟» گفتم: «هرجا که شما بخوای.» جواب داد: «پس جایی می‌ریم که هر دو مون دوست داشته باشیم. قبوله؟» قبول کردم و گفتم: «نگفتی کجا!» خنده‌ای کرد و گفت: «مشهد، پابوس امام رضا (ع). آگه دوست داری بریم، زودتر آماده شو.»^۱

۱. نک: مح



شهادت: بستان، عملیات طریق القدس، ۱۳۶۰

تولد: قم، ۱۳۴۲

اوایل جنگ شهید شد. خبر شهادتش آمد؛ ولی از جنازه‌اش خبری نبود. وصیت‌نامه‌اش را که دیدیم، نوشته بود: «دوست دارم وقتی شهید شدم، پیکرم را به طواف حرم مطهر ثامن الائمه (علیه السلام) ببرند.» تصمیم گرفتم وقتی پیکرش آمد، ببرمش مشهد. جنازه‌اش که آمد، روی تابوتش نوشته بودند: «التماس دعا زائر امام رضا (علیه السلام)! طواف حرم داده شد.» حسن همراه شهدای مشهد ۵ بود زیارت امام رضا (علیه السلام)!

شاهپیدا
حسن
تاجپیک

مزار: قم، گلزار
شهدای شیخان

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا (علیه السلام)

۲۴

خامه‌یار، بایاران سپیده، ص ۲۹.

تاجپیک



شهادت: بر اثر مجروحیت
مییایی، ۱۳۷۵

تولد: اصفهان، ۱۳۳۹

شاهد پید
جوان
فصل شهدایی

فرمانده تیب یکم لشکر
(۷۷) پیاده تامن الائمہ

راوی: سرهنگ شعبانیان
مزار: گلستان شهدای
اصفهان

برای شرکت در سمینار رفتیم مشهد. ساعت یک نیمه شب بود که برای رفتن به حرم بیدارم کرد. چند نفر دیگر از بچه‌ها هم بیدار شدند. آن موقع شب، هرچه منتظر ماندیم، تا کسی گیرمان نیامد. بچه‌ها می‌خواستند برگردند که شهید نصر گفت پیاده برویم. یک ساعتی تا حرم راه بود. توی مسیر، دائم ذکر می‌گفت و اشک چشمانش سرازیر بود. ورودی صحن، بغضش ترکید و نتوانست جلوی خودش را بگیرد. انگار روحش را در حرم امام رضا علیه السلام به ملکوت پرواز داده بود!

۱. نک: نجات‌علی صادقی گویا، ره‌یافته عشق، ص ۱۹۳ و ۱۹۴.

یزدانی

پاهایش یارای راه رفتن نداشت. انگار فلج شده بود! وقتی از همه جا ناامید شد، دلش را دخیل پنجـره فولاد حرم امام رضا علیه السلام کرد و عهد بست که اگر شفایش را از دستان باکرامت رضوی بگیرد، یک راسـت برود جبهه و تا شـهید نشده است، برنگردد.

شفایش را که گرفت، سر قولش ماند. بعضی وقتها می دیدمش و می گفتم: «شما هم مثل بقیه برو مرخصی و حال و هوایی تازه کن، روحیه ای بگیر و دوباره برگرد.» می گفت: «نه، من سلامتی ام رو مدیون امام رضا علیه السلام هستم. باید پای عهدم با آقا بمونم.»

پای قولش ماند تا شهید شد.^۱

۱. نک: تکتم یغمایی، لحظه های عبور، ص ۱۷۵.



تولد: بجنورد، روستای
ناظرآباد، ۱۳۳۷

شهادت: ارومیه،
روستای سرو، به دست
عوامل دموکرات، ۱۳۶۱

شهید

سید نورالله

یزدانی

فرمانده گردان

امام حسن علیه السلام تیپ ویژه
شهید

راوی: علی محمد رحمانی

مزار: گلزار شهدای بجنورد

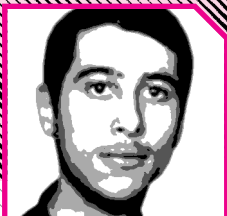
خط عاشقی

خاطراتی از عشق شهیدا به امام رضا علیه السلام

۲۶

نظافت

یک شب لباس پوشیده بود. تنش می آمد! یک سید روحانی همراهش بود. انگار که عجله داشته باشد، جلو آمد و گفت: «امام رضا علیه السلام من رو به خادمی قبول کرده؛ حالا هم او مدم با تو خداحافظی کنم.» این را گفت و رفت. از خواب پریدم. دلم به شور افتاده بود. نمی دانستم این خواب تعبیری دارد یا نه. حسایی فکرم را مشغول کرده بود تا اینکه خبر شهادتش را آوردند. همان شبی که خوابش را دیده بودم، با پیکری خونین، مهمان امام رضا علیه السلام شده بود!



تولد: مشهد، ۱۳۴۳

شهادت: جزیره بوارین، ۱۳۶۴

شماره پیدایش

محمد رضا

نظافت

فرمانده واحد تخریب

تیپ (۲۱) امام رضا علیه السلام

راوی: همسر شهید

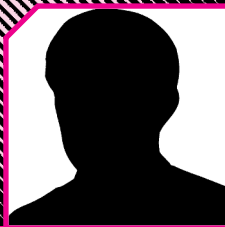
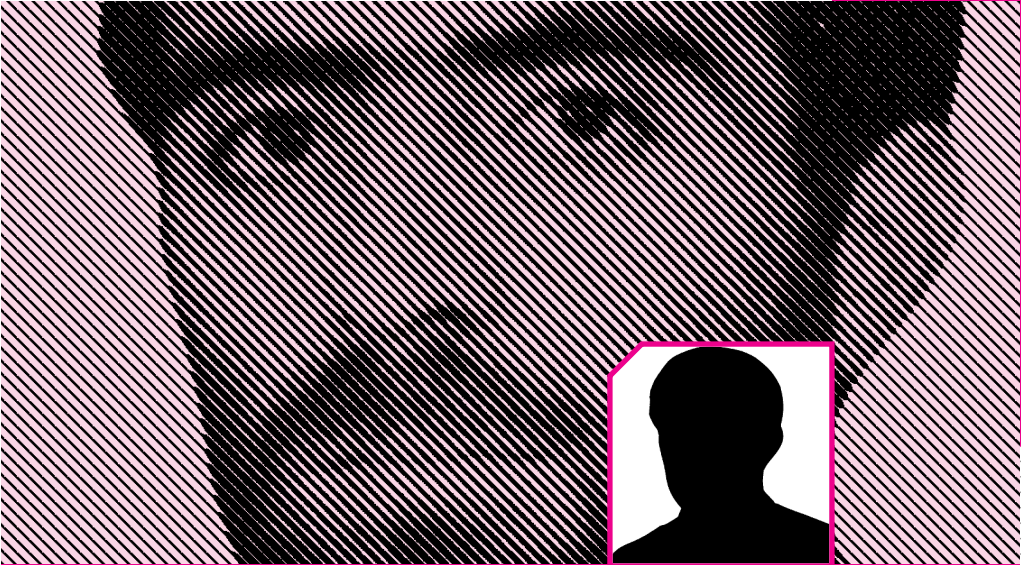
مزار: مشهد،

بهشت رضا علیه السلام

خط عاشقانه

خاطراتی از عشق شهیدا به امام رضا علیه السلام

۲۷



شهادت: دشت‌های سلیمانیة عراق،
عملیات والفجر (۱۰)، ۱۳۶۷

تولد: اصفهان، فریدن،
سنای بتلیجه، ۱۳۳۶

از طرف سپاه رفته بودیم مشهد. اصغر این چند روز، از حضورمان در مشهد حسابی استفاده کرد: پیش از اذان صبح بیدار می‌شد. زودتر از اتوبوس‌های سرویس سپاه که از محل اسکان به سمت حرم مطهر حرکت می‌کردند، خودش را برای رفتن به حرم آماده می‌کرد و پای پیاده راه می‌افتاد. خدا می‌داند توی راه تا رسیدن به حرم، چه حال‌وهوایی داشت. حرم که می‌رسید، گوشه‌ای می‌نشست و زیارت می‌خواند و بعد می‌ایستاد به نماز. بعضی وقت‌ها هم از سر شب می‌رفت حرم و تا صبح بر نمی‌گشت.^۱

شاهپد
اصغر
قربانوند

جانسین‌معاونت

اطلاعات نیروی زمینی
سپاه پاسداران انقلاب
اسلامی

راوی: همسر شهید

مزار: گلزار شهدای

روستای بتلیجه

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا (علیه السلام)

۲۸

۱. نک: نسخه کتابچی، نیمه پنهان ماه ۱۳، قجاوند به‌روایت همسر شهید، ص ۵۹ و ۵۸.

قجاوند

گلستانی

—هد، زیارت
اد رسیدیم حرم، تا نگاهم به
آینه افتاد، رو به محسن گفتم: «بین
چقدر قشنگ کار کردند!» محسن توی حال
خودش بود. از همان زیارت، می شد رنگ و بوی
شهادت را توی صورتش دید. نگاهی کرد و
گفت: «آره، خیلی قشنگه؛ ولی این قشنگی
واسه آینه که کسی نمی تونه خودش رو توی
این آینه های شکسته ببینه. وقتی زائر میاد
حرم، باید دلش شکسته باشه تا بتونه
با امام رضا علیه السلام ارتباط برقرار کنه و سیمش
وصل بشه. من این بار از امام رضا علیه السلام چیزی
خواستم که ان شاء الله برآورده می کنند.»
از زیارت که برگشتیم، یک ماه نشد که
خواسته اش برآورده شد و به شهادت رسید.^۱



تولد: شهریار، ۱۳۴۰

شهادت: جاده فاو
ام القصر، عملیات
والفجر (۸)، ۱۳۶۴

شهرپید

محسن

گلستانی

راوی: هم رزم شهید

مزار: تهران، چهاردانه،

مزار شهدای امامزاده

عباس علیه السلام

خط عاشقی

خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۲۹

۱. نک: پایگاه اطلاع رسانی گروه تحقیقاتی فتح الفتوح.



شهادت: بر اثر مجروحیت شیمیایی در
عملیات‌های بدر و خیبر، ۱۳۷۵

تولد: ساوه، ۱۳۲۹

لحظه‌های آخر زندگی‌اش هیچ‌وقت از یادم
نمی‌رود. روی تخت دراز کشیده بود. حال
خوشی نداشت. نگاهی کرد و گفت: «تختم رو
برگردونید سمت قبله.» وقتی خیالش راحت
شد که رو به قبله است، نجواها و زمزمه‌های
زیرلبی‌اش شروع شد. تختش را چرخاندیم
سمت مشهد، رو به حرم امام هشتم علیه السلام.
خودش این‌طور خواست. با اینکه قطع نخاع
شده بود و بدنش حس و حرکتی نداشت،
یک‌بار از جا بلند شد و به سمت حرم
امام رضا علیه السلام تعظیم کرد؛ بعد هم لبخند زیبایی
روی لب‌هایش نشست و شهید شد.^۱

شهر
بید
حجرت
قائم

فرماندهی نیروی
مقاومت بسیج شرق
تهران

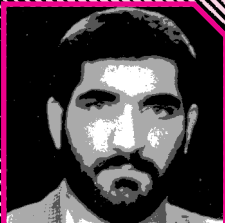
راوی: همسر شهید
مزار: تهران، بهشت
زهرا علیها السلام

خط عاشقانه
● خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۴

۱. نک: پایگاه اطلاع‌رسانی قربانیان سلاح‌های شیمیایی.

قائم



شهادت: شلمچه، عملیات
خبربلائی (۵)، ۱۳۶۵

تولد: مشهد، ۱۳۳۳

خط عاشقی

خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا (ع)

۳۴

شهر شهید رضا خضرائی

مسئول اطلاعات عملیات
لشکر (۵) نصر

راوی: هم‌رزم شهید
مزار: حرم مطهر
امام رضا (ع)

پرسیدم: «آقارضا، شما که خیلی سرت شلوغه، اصلاً وقت می‌کنی بری زیارت امام رضا (ع)؟»
همین‌طور که می‌خندید، جواب داد: «مگه می‌شه نرَم. ما همه چیزمون رو از امام رضا (ع) داریم. هر مناسبتی که باشه، حتی اگه مشهد نباشم، خودم رو می‌رسونم و اول، یک‌سر می‌رم حرم. توی ولادت‌ها و شهادت‌ها هم حتماً می‌رم خدمت آقا، برای عرض تبریک یا تسلیت.»^۱

۱. نک: پایگاه اطلاع‌رسانی کنگره بزرگداشت سردا شهید استان‌های خراسان.

خضرائی

فراهمانی

طلبه حوزه المهدی مشهد بود. جنگ که شد، درس را رها کرد و رفت جبهه. توی پادگان دوکوهه دیدمش. وقتی نصیحتش کردم و خواستم برگردد سراغ درسش، ناراحت شد و گفت: «داداش! من این قدر اینجا می‌مونم تا حاجتم رو بگیرم. مشهد که بودم، چهل روز بی‌سحری روزه گرفتم و قبل از افطار، پای برهنه از حوزه تا حرم امام رضا علیه السلام رو پیاده رفتم و از آقا شهادت خواستم؛ حالا می‌گی برم دنبال درس! آرزوی من شهادته.»

همان روزه‌های بی‌سحری و حرم رفتن با پای پیاده اثر کرد. در عملیات والفجر (۸)، امام رضا علیه السلام حاجتش را داد.^۱

۱. نک: ابوالفضل کردی، فرهنگ‌نامه اسوه‌های معرفت، ص ۲۳۴.



تولد: تهران، ۱۳۴۶

شهادت: فو، عملیات
والفجر (۸)، ۱۳۶۴

طلبه شهید

حسن

سرمحلی سزاهانی

راوی: برادر شهید

مزار: بهشت زهرا علیه السلام

خط عاشقی

خطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۳۴



شهادت: سردشت،
میلبات نصر (۵)، ۱۳۶۴

تولد: قزوین، تاجکستان،
روستای خورهشت، ۱۳۳۸

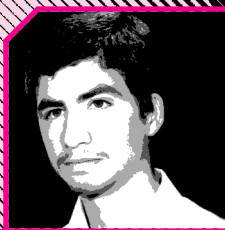
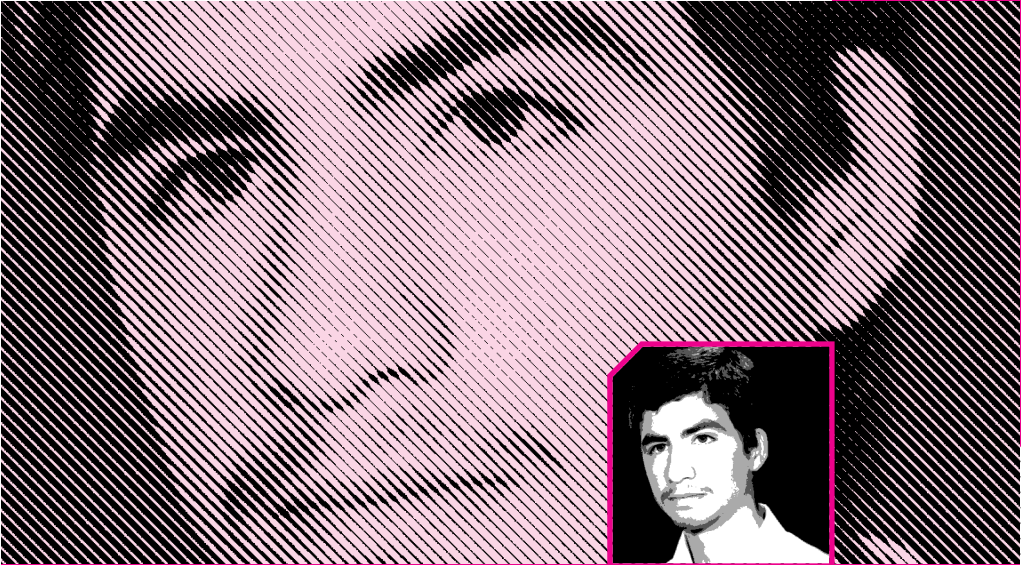


مسئول محور لشکر (۸)
نجف اشرف

راوی: مادر شهید
مزار: گلزار
شهدای خورهشت

آن قدر به امام رضا علیه السلام ارادت داشت که حداقل سالی یک بار می رفت پابوسش. یک بار که رفته بود مشهد، این زیارت و پابوسی، مصادف شده بود با بازسازی و تعمیر حرم مطهر. احمد با عشق و علاقه، شبها می رفت حرم و به خدام کمک می کرد: خاکها را بیرون می ریخت، صحنها را جارو می زد و...^۱

۱. نک: کانون نشر آثار و ارزشهای دفاع مقدس دانشگاه امام حسین علیه السلام، حاجی حسینی، ص ۱۷.



شهادت: فاو، ۱۳۶۴

تولد: اهواز، ۱۳۴۴

همت بالایی داشت. هر وقت فرصت می‌کرد، می‌رفت مشهد، زیارت امام رضا علیه السلام. راه طولانی اهواز تا مشهد خسته‌اش نمی‌کرد. شوق پابوسی امام هشتم علیه السلام کافی بود تا سختی راه را فراموش کند. شهید که شد، جنازه‌اش را به جای اهواز، برده بودند مشهد. انگار هنوز هم شوق زیارت داشت. این شوق، این بار پیکر بی‌جان‌ش را برد به طواف ضریح غریب توس! ^۱

شهرت پیدا
کرد
و با
دیگران

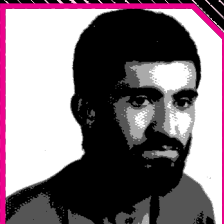
راوی: هم‌رزم شهید
مزار: بهشت شهدای
اهواز

خط عاشقی
خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۴

مژاد شیخی، آه باران، ص ۱۴۶.

دیوانی



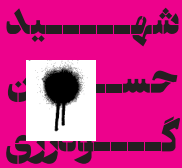
شهادت: زبیدات عراق،
۱۳۶

تولد: بروجرد، ۱۳۳۸

خط عاشقانه

خاطراتی از عشق شهیدا به امام رضا علیه السلام

۳۵



راوی: همسر شهید
مزار: گلزار شهدای
بروجرد

از خوشحالی انگار می خواست بال در بیاورد:
هم بار اولی بود که باهم مسافرت می رفتیم و
هم اولین باری بود که حسن می رفت مشهد.
هنوز حرم امام رضا علیه السلام را ندیده بود. چقدر شوق
زیارت داشت! می گفت: «شنیده ام بار اولی که
بری زیارت امام رضا علیه السلام، هر حاجتی که داشته
باشی، برآورده می شه. به محض اینکه برسیم
حرم، اولین دعایی که بکنم، آرزوی شهادته.»
وقتی به حرم رسیدیم، از آقا شهادت خواست.
چه زود حاجت روا شد!

۱. نک: معاونت فرهنگی پژوهشی بنیاد شهید انقلاب
استان لرستان، یاد یاران، ص ۲۴ و ۲۵.

گورزوی



تولد: چناران، روستای
حسن آباد، ۱۳۳۹

شهادت: شلمچه، عملیات کربلای (۵)، ۱۳۶۵

چند نفری راه افتادیم برای شناسایی. توی راه گفتم: «برادر انفرادی، عملیات پیش رو مشکله. چرا این محور رو قبول کردی؟ کار سخته.» نگاهی کرد و پرسید: «مگه ما بچه مشهد نیستیم؟» جواب دادم: «خب بله.» گفت: «پس چرا ناراحتی و نگران؟ ما به پشوتیبانی آقا امام رضا (علیه السلام) تا حالا موفق بودیم؛ از این به بعد هم، همین طور می شه. مطمئن باش ان شاء الله پیروز می شیم.»^۱

شهید
حسین
انفرادی

فرمانده گردان یدالله
لشکر (۵) نصر

راوی: خلیل جهاندوست
مزار: چناران، بهشت
زینب (علیها السلام)

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا (علیه السلام)

۱. عبا حسینی، کاش با تو بودم، ص ۱۷۵.

انفرادی

کاظمی

او باهم رفتیم حرم. زیارت کردیم. زیارتش را که خواند، رفت کنار ضریح. آنجا حالی پیدا کرد و منقلب شد. گریه می کرد و زیر لب چیزهایی می گفت. بعد زیارت پرسیدم: «چرا وقتی رفتی کنار ضریح، این قدر گریه کردی؟» گفت: «از امام رضا علیه السلام یک بچه سالم و صالح می خوام.»

فرزندمان که به دنیا آمد، رفتیم حرم. حواسم به سید بود. باز هم زیارتش با نماز و گریه کنار ضریح همراه بود. بیرون که آمدم، پرسیدم: «بچه دار که شدیم، دیگه چی می خوای؟» نگاهی کرد و گفت: «حالا دیگه از امام رضا علیه السلام شهادت می خوام.»^۱

۱. نک: عیسی سلمانی لطف آبادی، جهاد سازندگی خراسان در دفاع مقدس، ص ۳۲۲.



تولد: فریمان، کوه سفید
علیا، ۱۳۴۱
شهادت: مشهد، بر اثر
مجروحیت، ۱۳۶۵

شهید
سید
کاظمی

راوی: همسر شهید

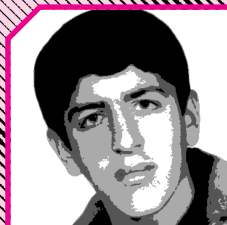
مزار: مشهد، بهشت

رضای علیه السلام

خط عاشقی

خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۳۷



تولد: سمنان، روستای
اشم، ۱۳۴۵

شهادت: شلمچه، عملیات کربلای (۵)، ۱۳۶۵

آن زیارت مشهد همراه با شهیدنوی را هیچ وقت فراموش نمی‌کنم. توفیقی بود که خدا یک بار نصیبم کرد. شور و اشتیاق عجیبی برای زیارت امام رضا علیه السلام داشت. به حرم که می‌رسیدیم، راه‌ش را جدا می‌کرد و با امام رضا علیه السلام خلوت می‌کرد. می‌رفت یک گوشه و تا زیارت‌نامه به دست می‌گرفت، اشک از چشمانش جاری می‌شد و آرام‌و قرار نداشت. ناله و گریه‌اش دم‌دست بود. چقدر راحت ارتباطش را وصل می‌کرد! هنوز هم که هنوز است، به حالاتش غبطه می‌خورم.^۱

شامه پیداد

سیدزین‌العابدین

نوی

مسئول واحد پذیرش

سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی سمنان

راوی: هم‌رزم شهید

مزار: گلزار شهدای

روستای چاشم

خط عاشقانه

خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۳۸

۱. نک: سیدشهاب‌الدین نبوی، صحیفه عروج عاشقان، ص ۴۸ و ۴۹.

نبی‌نوی



تولد: تهران، ۱۳۴۹

شهادت: فکه، عملیات
لقمجر (۱)، ۱۳۶۵

آخرین باری که آمد مرخصی، قصد داشت برود پابوس امام رضا علیه السلام. برای رفتن آماده شده بود که از پایگاه بسیج خبر دادند زودتر برگردد منطقه. رفت و توی همان عملیات شهید شد. خیلی دلم سوخت. غصه‌ام شد که دلش هوایی زیارت امام رضا علیه السلام بود و قسمتش نشد! توی همین حال و احوال، آمد به خوابم. سر حال بود و داشت می‌خندید. نگاهم کرد و گفت: «مادر جون، ناراحت نباش. من به یک چشم به هم زدن رفتم مشهد، زیا، امام رضا علیه السلام!»^۱



راوی: مادر شهید
مزار: تهران، بهشت
زهرا علیها السلام

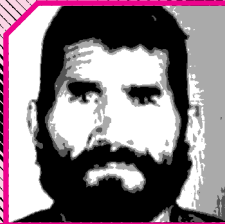
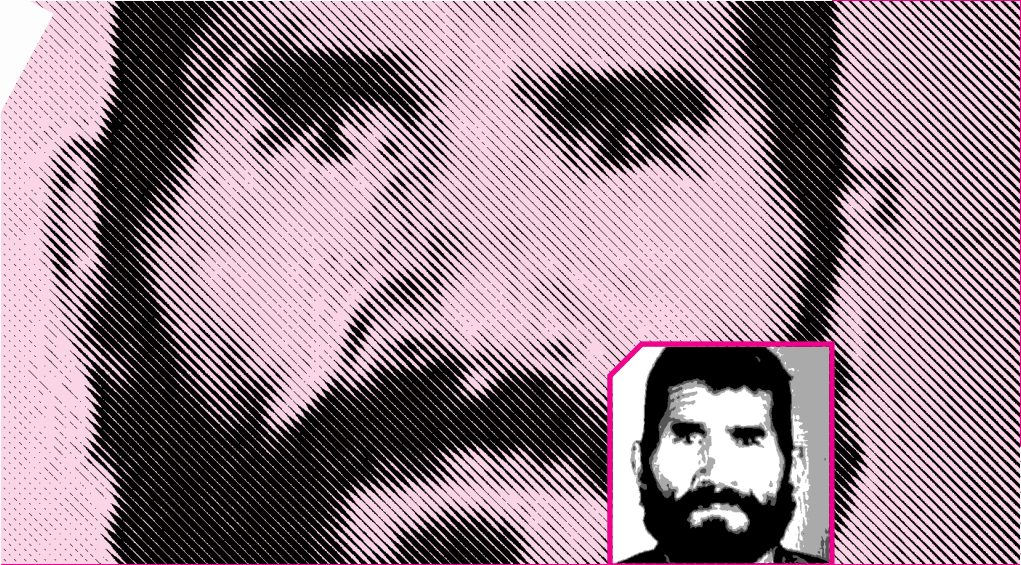
خط عاشقانه

خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۳۹

۱. نک: مجله همشهری، ش ۱۰۵.

پیدا خام



شهادت: فاو، ۱۳۶۴

تولد: بجنورد،
سنای زرنه، ۱۳۰۸

رشته زندگی اش را داده بود دست اهل بیت (علیهم السلام):
اما میان ائمه (علیهم السلام) ارتباطش با امام رضا (علیه السلام) جور
دیگری بود! این را وقتی فهمیدم که باهم
مشرف شدیم حرم امام هشتم (علیه السلام). نزدیک
حرم، همین که نگاهش افتاد به گنبد و
گلدسته‌ها، حال خوشی پیدا کرد و اشک از
گوشه چشمانش جاری شد. ایستاد روبه‌روی
حرم و دست ادب به سینه‌اش گذاشت و
گردنش را کج کرد. همان‌طور که گریه می‌کرد،
گفت: «طیب تمام دردها امام رضاست!»^۱

شهرت پیدا
کرد
صحراگرد

مزار: گلزار شهدای
زرنه

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا

۱. نک: پایگاه اطلاع‌رسانی کنگره بزرگداشت سرداران و ۲۳۰۰ شهید استان‌های خراسان.



صحراگرد



تولد: نامعلوم

شهادت: نامعلوم

شهید
گه
نام

راوی: محمد احمدیان

خط عاشقی

خاطراتی از عشق شهیدا به امام رضا علیه السلام

۴۱

گه نام

عارف

شهید پیدا

کرده بود که حتماً یک

شهید پیدا می‌شود؛ هشت شهید به

نیت امام هشتم علیه السلام هر چه گشتیم، از شهید

هشتم خبری نشد. امیدمان را از دست

ندادیم. توی همین گیرودار بودیم که خبر

رسید امام جماعت مسجد امام جعفر

صادق علیه السلام شهر العماره عراق، نزدیک به

۱۵۰ جسد را برای تحویل به ما آورده است.

یکی یکی شان را از کانتینر پیاده کردیم. همه

عراقی بودند؛ اما از بینشان، پیکر مطهر یک

شهید ایرانی پیدا شد. خیلی دلچسب بود!

بالاخره با عنایت امام رضا علیه السلام به مراد دلمان

رسیدیم و با هفت شهیدی که صبح پیدا

کرده بودیم، شدند هشت شهید. شد همان

چیزی که می‌خواستیم. از این دلچسب‌تر،

نوشته پشت لباس آن شهید بود: «یا مُعِينَ

الصُّعْفَاءِ»^۱.

۱. نک: رضا مصطفوی، آسمان مال آن‌هاست (کتاب تفحص)،

بدجوری مجروح شده بود. رفتیم اصفهان عیادتش. از حال و روزش پیدا بود که دیگر ماندنی نیست. انگار که خودش هم این را فهمیده باشد؛ چون به خانواده‌اش گفته بود: «خیلی دوست داشتم بعد عملیات برم زیارت امام رضا علیه السلام؛ ولی می‌دونم دیگه کارم تمومه!»

چیزی نگذشت که شهید شد. برادرش می‌گفت:

خوادم محمدرضا رو گذاشتم توی

تابوت و روی پارچه تابوت نوشتم:

«محمدرضا عاشور، اعزامی از

گرمسار». برای هماهنگ کردن مراسم

تشییع، برگشتم گرمسار. قرار شد

جنازه را منتقل کنند تهران و از آنجا

بیاورند گرمسار. در تهران، پارچه روی

تابوت محمدرضا با پارچه تابوت یک

شهید از بچه‌های مشهد عوض شده

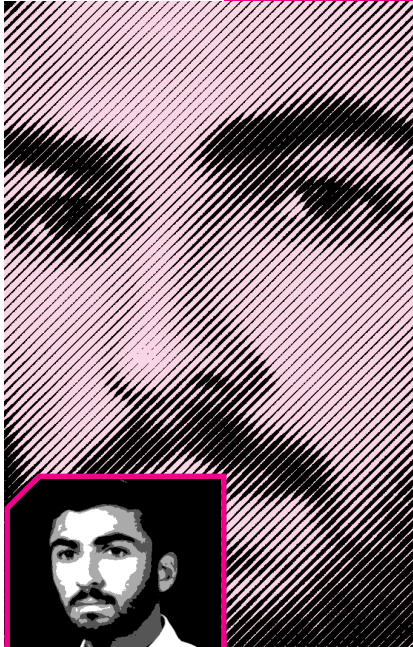
بود. جنازه‌اش را به جای آن شهید

فرستاده بودند مشهد امام رضا علیه السلام.

محمدرضا به آرزوش رسید: اول، رفت

زیارت مشهد؛ بعد، برگشت گرمسار.^۱

۱. ای، لحظه‌های آسمانی، دفتر اول، ص ۷۷ و ۷۸.



تولد: گرمسار، ۱۳۴۴

شهادت: اصفهان، بر اثر
مجروحیت، ۱۳۶۴

طلبه شهید
محمدرضا
عاشور

راوی: حسن بلوچی

مزار: گلزار شهدای

گرمسار

خط عاشقی • خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

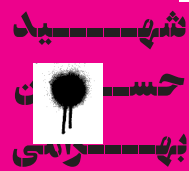
عاشور

تولد: قم، ۱۳۴۲

شهادت: عملیات والفجر (۸)، ۱۳۶۴

از نیروهای حفاظتِ شخصیت سپاه بود. باید در شهر می ماند. دلش برای حضور در خطِ مقدم جبهه های جنگ پر می کشید! رفتنش دست مسئولین بالادستی بود. باید اجازه آن ها را می گرفت. چاره ای نداشت: جز اینکه دست به دامن امام رضا علیه السلام شود. از مشهد که برگشت، کار رفتنش جور شد. زرنگی کرد: انگار کنار رفتن به جبهه، شهادت را هم خواسته بود!^۱

۱. برگرفته از یادواره شهید حسن بهرامی.



راوی: مادر شهید
مزار: قم، گلزار
شهیدای علی بن جعفر علیه السلام

خط عاشقانه

خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۳۴

بهرامی

تورجی زاده

زودتر از بقیه بلند شد و وضو گرفت. هنوز اذان صبح نشده بود. جلوجلو راه افتاد به سمت حرم. در مسیر، حال و هوای خاصی داشت. صورتش خیس اشک بود. به ورودی حرم که رسید، اذن دخول خواند و از صحن گوهرشاد وارد رواق شد. از بین جمعیت، خودش را رساند نزدیک ضریح. همان جا ایستاد. انگار که روبه روی امام رضا علیه السلام ایستاده باشد، اشک می ریخت و حرف می زد. بعد هم به گوشه ای رفت و مشغول خواندن زیارت نامه شد. حال عجیبی داشت. می گفت: «همون شب، آقا رو توی خواب دیدم. فرمودند: 'بیا حرم و حاجت رو بگیر.'»

در عملیات کربلای (۱۰) حاجتش را گرفت.^۱

۱. نک: گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، یا زهران علیهم السلام، ص ۱۶۴ و ۱۶۵.



تولد: اصفهان، ۱۳۴۲

شهادت: ماووت، عملیات

کربلای (۱۰)، ۱۳۶۶

شهید پد

محمد رضا

تورجی زاده

فرمانده گردان «یا

زهرا علیها السلام» لشکر (۱۴)

امام حسین علیه السلام

راوی: علی تورجی زاده

مزار: گلستان شهدای

اصفهان

خط عاشقی

خطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۴۴



کاظم



تولد: تهران، ۱۳۳۵

شهادت: سردشت،
۱۳۶۱

شهادت پید

ناصر



فرمانده سپاه

پاسداران انقلاب

اسلامی کردستان

راوی: همسر شهید

مزار: بهشت زهرا عجالتعالیه

مردی چقدر منتظر شنیدن این خبر است. وقتی فهمید، توی چشم‌هایم نگاه کرد و گفت: «دلَم می‌خواد برای تشکر از امام رضا علیه السلام، بریم مشهد.» عشق و علاقه بی‌حد و وصفش به امام رضا علیه السلام را می‌دانستم؛ اما از قول و قرارش با امام رضا علیه السلام خبر نداشتم. گفتم: «آخه تو تازه از راه رسیده‌ای. هنوز خستگی‌ات در نرفته. کجا می‌خوای بری؟» گفت: «اون بار که رفتم پیش امام رضا علیه السلام و تو رو خواستم، همون جا گفتم اگه خدا بهم یک پسر داد، اسمش رو می‌ذارم علیرضا. نذر کردم اولین روزی که بفهمم خدا بهم بچه داده، برم پابوس آقا.»^۱

۱. نک: نقیسه ثبات، نیمهٔ پنهان ماه ۷؛ شهید ناصر کاظمی به‌روایت همسر، ص ۶۰ و ۶۱.

عسگری

نوجوان که بود، با دوستانش می‌رفت سر کار. دستمزدش را جمع کرد و با دوستانش قرار گذاشت که برای تفریح بروند کنار دریا. یکی از دوستانش می‌گفت: «برای سفر آماده شده بودیم که محمدرضا اومد و گفت: 'من با شما نیام. قصد کردم برم مشهد، زیارت امام رضا (علیه السلام)'. مسیروش رو از ما جدا کرد و رفت مشهد.»

اوقات فراغت چندانی نداشت و دائم در جبهه بود. خیلی کم همدیگر را می‌دیدیم. هر دو یا سه ماه یک بار هم که مرخصی می‌آمد، ترجیح می‌داد بیست و چهار ساعته هم که شده است، برود زیارت امام رضا (علیه السلام).^۱

۱. نک: عیسی جمالی، پرواز در قلاویزان، ص ۱۲۸.



تولد: بندر گز، روستای
لیوان غربی، ۱۳۳۶

شهادت: ارتفاعات ۲۲۲
قلاویزان، ۱۳۶۵

شهید
محمدرضا
عسگری

فرمانده تیپ دوم
لشکر (۲۵) کربلا

راوی: همسر شهید
مزار: مقفودالجسد

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا (علیه السلام)



شهادت: زاهدان، ۱۳۶۹

تولد: بیرجند، روستای
مزاربشت، ۱۳۲۳

خط عاشقانه

خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۴۷

شهادت
حجت الاسلام والمسلمین

علی
مزاری

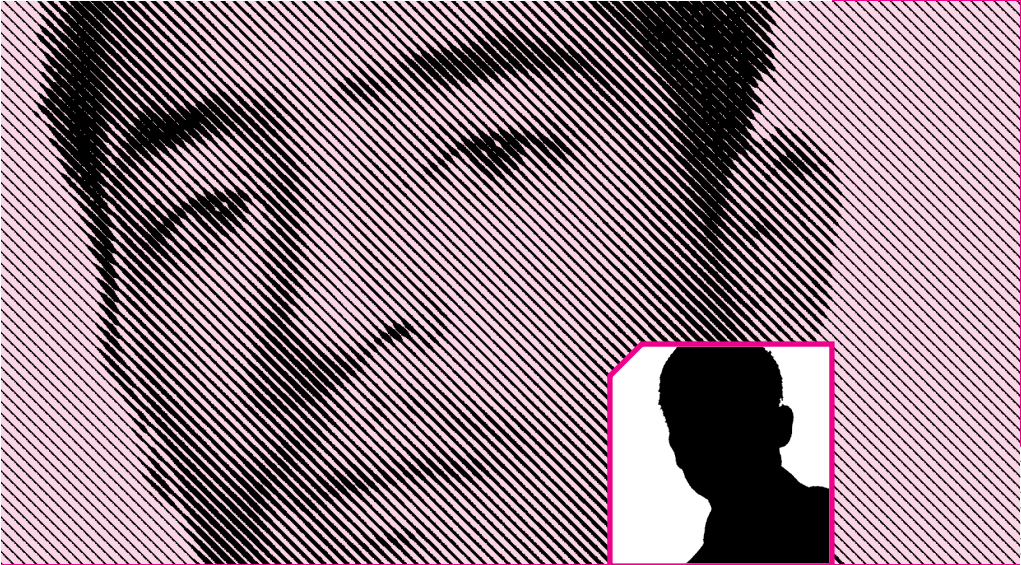
امام جماعت مسجد
علی بن ابی طالب علیه السلام
زاهدان

راوی: خانواده شهید
مزار: قم، گلزار شهدای
علی بن جعفر علیه السلام

در مشهد فامیل داشتیم. خانه‌شان از حرم دور بود. هر وقت توفیق زیارت دست می‌داد، دلش رضایت نمی‌داد دور از حرم و خانه آن فامیلان ساکن شود. برایش نزدیک بودن به حرم امام رضا علیه السلام اهمیت زیادی داشت. همه‌اش برای این بود که نمازهای جماعت حرم را از دست ندهد، به خصوص نماز صبح را.^۱

۱. نک: صادق شریف‌مقدم و عبدالرضا مزاری،

ساجد شیخ علی



شهادت: جزایر مجنون، عملیات بدر، ۱۳۶۳

تولد: نجف آباد،

کهریزسنگ، ۱۳۴۸

زیارت امام رضا علیه السلام برایش حال و هوای دیگری داشت. شاید دوست داشتنی ترین لحظه های عمرش همان ساعاتی بود که در جوار مرقد نورانی امام هشتم علیه السلام سپری می شد. وضعیت حساس جنگ را که دید، ترجیح داد برود منطقه. آخرین باری که از جبهه نامه فرستاد، نوشته بود: «مادرجان، این بار که آمدم، نذر کرده ام چند روزی شما را به مشهد ببرم.» قسمت نشد برگردد و شهید شد؛ ولی امام رضا علیه السلام طلبیدش: به اشتباه، پیکرش را بد مشهد! وقتی برگشت که دور ضریح رده بود.^۱

اسناد موجود در بنیاد شهید و امور ایثارگران استان اصفهان.

شاهد
بیت
الله
قاسمی



راوی: خواهر شهید

مزار: گلزار شهدای

کهریزسنگ

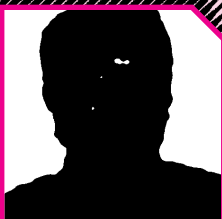
خط عاشقی
خاطراتی از عشق شهدا به امام

قاسمی

عبدال

عی. حرم که
می برهنه می شد و حرکت
می کرد. سریح. یک بار پیش از رفتن به
حرم، دم در حسینیه، بچه‌ها را به صف کرد و
گفت: «من یک نذر دارم و باید امشب اداش
کنم. قول بدید مانع من نشید.» به سخن
امام رضا علیه السلام که رسیدیم، رو کرد به بچه‌ها و
گفت: «کفشاتون رو در بیارید.» نشست روی
زانوهایش و شروع کرد به بوسیدن کف پاهای
بچه‌ها!

آخرین باری که باهم رفتیم مشهد، طوری
که انگار بخواهد وصیت کند، رو کرد به حرم
و گفت: «این کبوترها وقتی دونه و گندم
امام رضا علیه السلام رو می‌خورند، جز حرم آقا، جای
دیگه نمی‌رند. به بچه‌ها بگید همه ما سر سفره
آقا نشستیم. نکنه دلاتون به جز حرم جای
دیگه‌ای بره!»^۱



تولد: تهران، ۱۳۵۵

شهادت: ایرانشهر،
گردنه ارزنتاک دشت
سمسور، ۱۳۷۷

شهرت

مهد

تجدیدی



راوی: تعدادی از دوستان
شهید

مزار: بهشت زهرا علیها السلام

خط عاشقانه
خاطراتی از عشق شهیدا به امام رضا علیه السلام

۴۹



شهادت: اسلام آباد غرب، عملیات
مرصاد، ۱۳۶۶

تولد: تهران، ۱۳۳۳

تا وقت شهادت، زیارتش ترک نشد. شعر
قشنگی سروده بود که به واسطهٔ اخلاص و
ارادت خالصانه اش به امام رضا علیه السلام ماندگار
شده است و مایهٔ رونق مجالس روضه. از حالا،
هر وقت به حرم امام رئوف می روی، این شعر
را که زمزمه می کنی و خیره می شوی به گنبد
و بارگاه آقا، از غلامعلی رجبی، مداح با اخلاص
اهل بیت علیهم السلام هم یادی کن. این شهید با همین
شعر زیبا، برات شهادتش را از دست امام رضا علیه السلام
گرفت و به معنای واقعی شد کبوتر امام رضا:
قربون کبوترای حرمت امام رضا!
قربون این همه لطف و گرمت امام رضا!

شهید
غلامعلی
رجبی



راوی: مادر شهید
مزار: تهران، بهشت
زهرا علیها السلام

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۵۰

۱. برداشتی آزاد از زندگی نامه و خاطرات شهید.

جیبی



شهادت: اروندرود، عملیات
الفجر (۸)، ۱۳۶۴

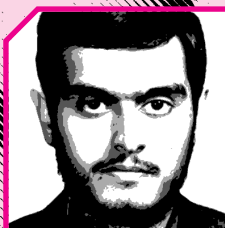
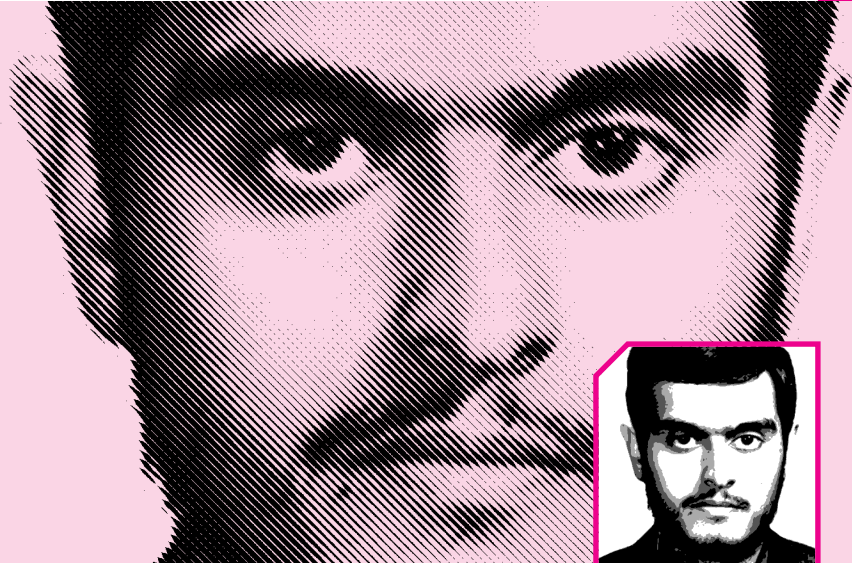
تولد: سمنان، روستای
خیرآباد، ۱۳۴۱

شهید کیومرث نوروزی

۱. نام دیگر این بزرگوار، حسین بود.

راوی: پرویز بندار
مزار: سمنان،
امامزاده یحیی (علیه السلام)

باهم رفتیم مشهد. جلوی درِ حرم که رسیدیم، به حالت سجده روی خاک افتاد و زمین را بوسید. صورتش را گذاشت روی درِ حرم و انگار که بخواهد اذن دخول بگیرد، منتظر ماند. اشک که در چشمانش حلقه زد، وارد صحن شد. روبه روی ضریح که رسیدیم، دوباره خم شد و زمین را بوسید. پرسیدم: «چرا این کار رو می کنی؟» گفت: «نمی دونم: وقتی اینجا می رسم، روبه روی این ضریح مطهر، حال دیگه ای بهم دست می ده و حس می کنم این طوری به خدا نزدیک تر



شهادت: ماووت، ۱۳۶۶

تولد: مشهد، ۱۳۳۳

روزهای تعطیل، باهم می‌رفتیم زیارت امام رضا علیه السلام. دستم را می‌گرفت و با خودش می‌برد. از حسن کوچک‌تر بودم. هرچند خودش هم سنی نداشت، با این سن کم، هم خیلی فهمیده بود و هم باایمان و بااعتقاد. سمت حرم که راه می‌افتادیم، می‌گفت: «داداش، موافقی پیاده بریم؟ این جووری ثواب زیارتمون بیشتر می‌شه!» من هم قبول می‌کردم.^۱

شهر پیاده
حسن
آقاسی راه
شعرباف

معاون فنی مهندسی
قرارگاه خاتم الانبیا علیهم السلام

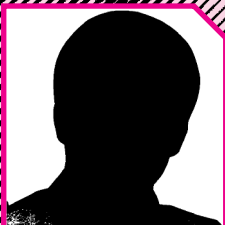
راوی: برادر شهید
مزار: حرم مطهر
امام رضا علیه السلام

خط عاشقی • خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۵۲

۱. نک: پایگاه اطلاع‌رسانی کنگره بزرگداشت سرداران و ۲۳۰۰۰ شهید استان‌های خراسان.

شعرباف



شهادت: در بیمارستان، بر
بر مجروحیت، ۱۳۶۴

تولد: مشهد، ۱۳۳۷

شهید ولی الله چراغچی نسجادی

قائم مقام لشکر (۵) نصر

راوی: مهدی الهی

مزار: مشهد، بهشت

رضا علیه السلام

باهم از منطقه برگشتیم. به مشهد که رسیدیم، خداحافظی کردم و رفتم سمت خانه. بعدها فهمیدم آن شب، به خانه‌اش نرفته است. با اینکه زن و بچه داشت و مدت زیادی می‌شد که آن‌ها را ندیده بود، اول رفته بود زیارت. تا صبح، توی حرم مشغول راز و نیاز شده بود و بعد از خواندن نماز صبح رفته بود خانه.

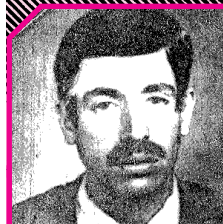
ولی الله عاشق خدا بود و مرید اهل بیت علیهم السلام. اصلاً به دنیا و مظاهرش دل بستگی نداشت. همین اخلاقش بود که خدا او را برای خودش انتخاب کرد.^۱

۱. نک: پایگاه اطلاع‌رسانی کنگره بزرگداشت سرداران و ۲۳۰۰۰ شهید استان‌های خراسان.

عرب عامری

دودوتا چهارتا کردم و گفتم: «نه، انگار امسال امام رضا علیه السلام ما رو نطلبیده!» ساکش را روی دوشش جابه‌جا کرد و گفت: «اما همت آدم هم شرطه.» قربانعلی سالی یکی دو بار با خانواده یا تنهایی می‌رفت مشهد. گاهی وقت‌ها، برای جورکردن هزینه رفت و برگشت به مشهد، مجبور می‌شد چند ماه در بعضی مخارج صرفه‌جویی کند. این کار را خیلی از ماها نمی‌کردیم و معنای همت، همین بود.

به حالش غبطه می‌خوردم: به دل پاک و ساده‌اش، به اینکه همیشه اسمش در فهرست زائران امام رضا علیه السلام بود. هر سال، دهه اول محرم با هیئت زنجیرزنی می‌رفت مشهد.^۱



تولد: شاهرود، روستای
کلاته‌خیج، ۱۳۳۵

شهادت: پنجوین،
عملیات والفجر (۴)،
۱۳۶۲

شهید
قربانعلی
عرب عامری

راوی: برادر شهید
مزار: گلزار شهدای
شاهرود

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۵۴

۱. نک: طیبه جعفری، مجموعه‌خاطرات شهید عرب عامری.



شهادت: اروندکنار، ۱۳۶۴

تولد: گرگان، روستای
سلطان آباد، ۱۳۴۸

شهادت امام رضا علیه السلام مهاجر منقوش

راوی: مادر شهید
مزار: گلزار شهدای
روستای سلطان آباد

اسماعیل امام رضایی بود. می گفت: «از امام رضا علیه السلام خواستم قبل شهادت یک زیارت با معرفت نصیبم بشه. دوست دارم برم مشهد و کنار ضریح از آقا بخوام که مقام رضای خدا رو به من عنایت کنه.»

ایام محرم رفت مشهد. آنجا یک عکس هم انداخته که یادگار برایم مانده است و نشانه علاقه اش به امام رضا علیه السلام است. از مشهد که برگشت، رفت جبهه. هرچه از امام رضا علیه السلام خواسته بود، گرفت: هم زیارت، هم شهادت.^۱

۱. برگرفته از کتاب یادواره شهدای روستای سلطان آباد گرگان.



شهادت: جادة اهواز خرمشهر، ایستگاه
حسینیه، عملیات والفجر (۱)، ۱۳۶۱

تولد: مشهد، ۱۳۳۷

همه کارهایش روی برنامه ریزی بود؛ حتی برای رفتن به حرم و زیارت هم برنامه داشت. هفته‌ای دوبار حتماً به زیارت امام رضا علیه السلام مشرف می‌شد. خارج از این برنامه هم گاهی به حرم می‌رفت. آن موقع بود که می‌فهمیدم مشکلی برایش پیش آمده و با این زیارت دست‌به‌دامن امام شده است. توفیق زیارت در کنار او، چند باری نصیبم شد. حال عجیبی را که داشت، فراموش نمی‌کنم. تا به حرم می‌رسیدم، چهره‌اش باز می‌شد؛ انگار که بعد از سال‌ها دوری دیده باشد!^۱

شاه پیدای
۱۳۴۵
خادم شریعه

فرمانده تیب (۲۱)
امام رضا علیه السلام

راوی: سید غلامرضا

حسینی

مزار: حرم مطهر

امام رضا علیه السلام

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام‌ره

علی‌اخگری، هلال ناتمام، ص ۴۹.

خادم
الشریعه

کاشی

هوای سپاه ـ. انتظار داشتیم مراسم افتتاحیه تهران باشد؛ اما حاجی گفت: «می‌خوام مراسم افتتاحیه توی مشهد انجام بشه.» پایگاه کوچک هوایی مشهد برای این مراسم مناسب نبود. بعضی‌ها این مطلب را گفتند؛ اما حاجی روی حرفش پافشاری کرد و بقیه هم قبول کردند. با برج مراقبت، هماهنگی‌های لازم انجام شد. خلبان به‌دستور حاج‌احمد، هوایما را چند دور، دور حرم امام‌رضا علیه‌السلام طواف داد. تازه آنجا بود که دلیل اصرار حاجی را فهمیدیم. همیشه می‌گفت: «ما هیچ‌وقت از لطف و عنایت اهل‌بیت علیهم‌السلام خصوصاً آقا علی‌بن‌موسی‌الرضا علیه‌السلام بی‌نیاز نیستیم.»^۱

۱. نک: سعید عاکف، مسافران ملکوت، ص ۹.



تولد: نجف آباد، ۱۳۳۷

شهادت: ارومیه، ۱۳۸۴

شهید
حاج‌احمد
کاشی

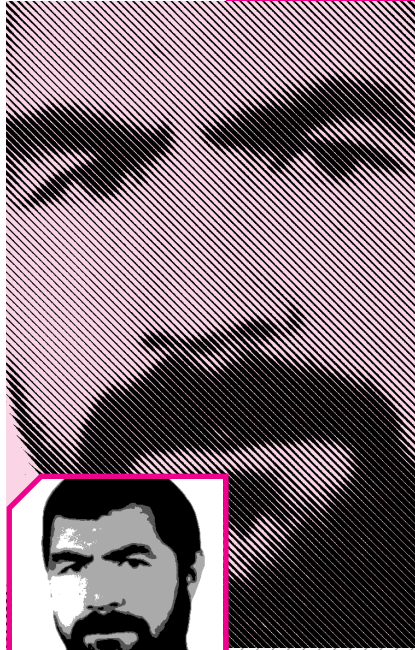
فرمانده نیروی زمینی سپاه
پاسداران انقلاب اسلامی

راوی: هم‌رزم شهید
مزار: گلستان شهدای
اصفهان

شیابی

بچه‌دار ده شدیم، فرار می‌کردیم بر زمین
پابوس امام رضا (علیه السلام). خواستیم هم زیارتی
کرده باشیم و هم این زیارت، شکرانه این
نعمت باشد که خدای مهربان عطا
کرده است. سواد خواندن دعا و زیارت‌نامه
را نداشتیم. در حرم، هر جا دعا یا زیارت‌نامه
خوانده می‌شد، همان جا می‌نشستیم. نگاهم
افتاد به علی‌آقا. داشت با خودش زمزمه
می‌کرد و اشک می‌ریخت. گفتم: «بلندتر
بخون تا منم بفهمم.» گفت: «من که سواد
ندارم زیارت‌نامه بخونم. یک شعر یاد
گرفته‌ام، دارم برای آقا زمزمه می‌کنم:
'دل‌م می‌خواد که پیغمبر بینم، دمی‌با
ساقی کوثر نشینم، بگیرم در بغل قبر رضا
را، حسین را در صف محشر بینم.»^۱

۱. نک: فرهنگ‌نامه شه — دای شهرستان سمنان،
ج ۴، ص ۲۰۹ و ۲۱۰.



تولد: سمنان، ۱۳۳۸

شهادت: سردشت،
۱۳۶۱

شهید
شیابی
شیابی

راوی: همسر شهید

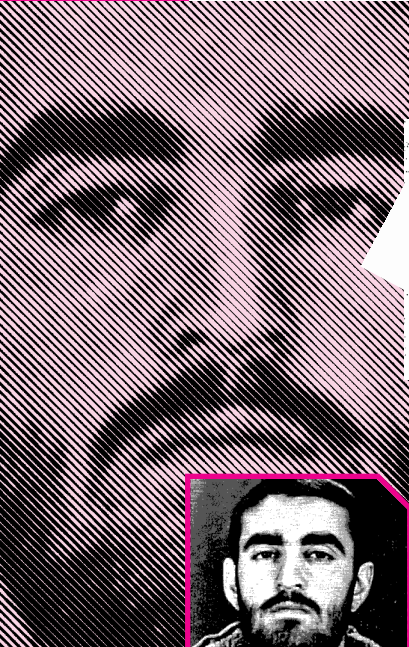
مزار: سمنان، امامزاده

یحییٰ علی‌سپه‌ای

خط عاشقی

خطراتی از عشق شهدا به امام رضا (علیه السلام)

۵۸



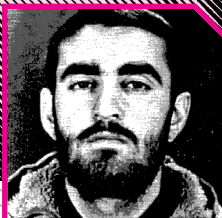
میرطاووس

۱. سیدعباس بغلم

«علی جون، کاری نداری؟»

دی من رو نمی بینی؛ چون امشب شهید می شم. حلالم کن.» حرفش را جدی نگرفتم. عملیات که شروع شد، درگیری سخت و نفس گیر بود و تا صبح ادامه پیدا کرد. سر صبح، سراغش را از هرکس گرفتم، سکوت می کرد. فهمیدم آسمانی شده است. جنازه اش را منتقل کردند عقب؛ اما به جای اصفهان، فرستاده بودندش مشهد. یگه خوردم. یاد چند روز پیش از عملیات افتادم که قصد کرده بود بروم مشهد. دلش هوای زیارت امام رضا علیه السلام کرده بود. خوش به سعادتش: هم شهید شد، هم زائر امام رضا علیه السلام!

۱. نک: مرتضی جمشیدیان، خودشکنان، ص ۳۸.



تولد: اصفهان، محمدآباد
جرقوبه، ۱۳۴۲

شهادت: فاو، ۱۳۶۵



شهید
سیدعباس
میرطاووسی

راوی: علی یارمحمدیان

مزار: گلزار شهدای

محمدآباد جرقوبه

خط عاشقی

خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۵۹



شهادت: ماووت، ۱۳۶۶

تولد: مشهد، ۱۳۳۴

معمولاً باهم می‌رفتیم زیارت. سیدعلی برای زیارت، آداب خاص خودش را داشت: روبه‌روی ضریح که می‌رسید، گوشهٔ دنجی پیدا می‌کرد و با راز و نیازهای عارفانه، حرف‌های دلش را به امام رضا علیه السلام می‌گفت. خودش را به ضریح می‌رساند و آن را می‌بوسید؛ بعد هم می‌رفت داخل یکی از رواق‌ها دو رکعت نماز می‌خواند و ثوابش را هدیه می‌کرد به روح اموات.^۱

شهرهٔ پیدا
سیدعلی
حسینی

معاونت اطلاعات عملیات
قرارگاه خاتم‌الانبیاء علیهم السلام

مزار: مشهد، بهشت

رضا علیه السلام

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا

۱. ی مهاباد، چشم بی‌تاب، ص ۴۷.

حسینی

می‌گفت با فرماندهان سپاه رسیده بودند خدمت آیت‌الله بهاء‌الدینی. وقتی از مشکلات ادارهٔ امور جنگ گفته بود، آقا فرموده بودند: «ما توی ایران یک طبیب داریم که همهٔ دردها رو شفا می‌ده. همه‌چیز رو از ایشان بخواید. این طبیب، حضرت امام‌رضا علیه السلام است. چرا حاجت‌ها تون رو از امام‌رضا علیه السلام نمی‌خواهید؟!»

یک روز بعد از این ملاقات، رفته بود زیارت امام‌رضا علیه السلام. وقتی وارد حرم شده بود، حال خوبی پیدا کرده بود. سرش را گذاشته بود روی ضریح مطهر و حسابی با آقا درد دل کرده بود. یاد جملهٔ آیت‌الله بهاء‌الدینی افتاده بود و فکر کرده بود که از امام‌رضا علیه السلام چه بخواید. هیچ چیزی ارزشمندتر از شهادت به ذهنش نرسیده بود؛ برای همین، از آقا طلب شهادت کرده بود. از این ماجرا، یک هفته بیشتر نگذشته بود که دعای حسن مستجاب شد. امام‌رضا علیه السلام همان چیزی را برآورده کرد که ع استه بود: پیوستن به کاروان س.

نک .۱



تولد: تهران، ۱۳۳۴

شهادت: چنانه (منطقه عمومی فکه)، ۱۳۶۱

**شهید
حسن
باز**

جانشین فرماندهی

نیروی زمینی سپاه

یاسداران انقلاب اسلامی

راوی: محمد گلزاری

مزار: تهران، بهشت

زهرا علیها السلام

خط عاشقی

خاطراتی از عشق شهدا به امام‌رضا علیه السلام

۶۱

باقی



شهادت: مهران، قلاویزان، ۱۳۶۵

تولد: نیشابور، ۱۳۳۷

هر زمان که محل مأموریتمان مشهد بود، می‌گفت: «قبل انجام هر کاری، دسته‌جمعی بریم حرم، زیارت امام رضا (علیه السلام)». این پیشنهادش بیشتر برای دعوت به خیر بود. توجهی نداشت که ما همراهی‌اش می‌کنیم یا نه. اگر زیارت را موکول می‌کردیم به بعد، کار خودش را می‌کرد. اول می‌رفت حمام و برای زیارت غسل می‌کرد؛ بعد هم یک‌راست می‌رفت حرم.^۱

شهادت
عاشق
نایب شرویدی

فرمانده حفاظت اطلاعات
لشکر (۵) نصر

راوی: هم‌رزم شهید

خط عاشقانه
خاطراتی از عشق شهدا به امام‌رضا

بی‌محمدی، روی ابروی چپ، ص ۱۳۳ و ۱۳۴.

شرویدی

عامری

نزدیک به بیست و پنج سالگی فوت شده بود. وضع مالی بسیار بدی داد. با اینکه مشهد و صحن برای امام رضا علیه السلام را ندیده بود، همیشه از امام رضا علیه السلام می‌گفت. یک ماه بعد از اینکه رفت جبهه، شهید شد؛ اما جنازه‌اش نیامد. حتی برادرش رفت منطقه، دنبال جنازه؛ ولی هیچ اثری پیدا نکرد. سه چهار ماه از این جریان گذشت تا اینکه خبر رسید جنازه پیدا شده است. یوسف عاشق امام رضا علیه السلام رفته بود مشهد، برای پابوسی مرادش: مرادی که یوسف در دوران حیات شانزده ساله‌اش، توفیق دیدارش را پیدا نکرد. جنازه یوسف را به اشتباه برده بودند مشهد و طواف داده بودند دور ضریح.^۱

۱. نک: یار محمد عرب عامری، مجموعه خاطرات شهید یوسف عامری.



تولد: گرمسار، آرادان،
روستای کهن آباد، ۱۳۵۰

شهادت: جزیره
مجنون، ۱۳۶۶

شهید

یوسف

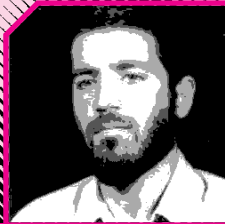
عاشق



راوی: مادر شهید

مزار: گلزار شهدای

روستای کهن آباد



شهادت: مریوان، عملیات والفجر (۴)، ۱۳۶۲

تولد: تهران، ۱۳۴۱

شهادت در راه خدا آرزوی همیشگی اش بود. آخرین باری که می‌رفت، حال و هوای دیگری داشت. این حال و هوای زیارت مشهدالرضا توی جانش انداخته بود. چنان اشتیاقی داشت که انگار او را لحظه‌لحظه، به دیدار با محبوبش نزدیک می‌کرد! شاید برگ شهادتش را هم کنار ضریح مطهر علی بن موسی الرضا علیه السلام از خدا گرفت. وقتی رفت، یک ماه نشد که خبر شهادتش را آوردند.^۱

شهید
حسن
مصطفوی

راوی: همسر شهید

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به ام

۱. نک: زهرا بوزار، نسیم بهشتی، ص ۹۹.

مصطفوی

مهاجر قوچانی

میرت امام رضا علیه السلام داشته
دربرهای سقاخانه، جلد حرم
شده برد و دل پاک و ساده‌اش را دخیل
بسته بود به شبکه‌های ضریح مطهر آقا.
وقتی شهید شد، هم‌زمانش برای عرض
تسلیت آمدند خانه‌مان. یکی از دوستانش
می‌گفت: «محمدحسین آخرین بار قبل از
شهادتش، بی‌سیم زد و سفارش کرد که وقتی
می‌رید حرم امام رضا علیه السلام، من رو فراموش
نکنید. التماس دعای مخصوص. نماز شب
که می‌خونید، من رو یادتون نره!»
پس برم رفت و برای همیشه، زائر
امام رضا علیه السلام شد.^۱

۱. نک: پایگاه اطلاع‌رسانی کنگره بزرگداشت سرداران و ۲۳۰۰۰ شهید استان‌های خراسان.



تولد: مشهد، ۱۳۴۲

شهادت: جزیره
مجنون، عملیات
خیبر، ۱۳۶۲

شهادت
مهاجر قوچانی

مسئول محور تیپ (۲۱)
امام رضا علیه السلام

راوی: مادر شهید

مزار: مشهد، بهشت

رضا علیه السلام



تولد: تربت حیدریه، گلپوی
کدکن، ۱۳۲۱

شهادت: شرق دجله در عراق، عملیات بدر،
۱۳۶۳

شبی که فردایش قرار بود برود جبهه، باهم رفتیم خانه تک تک فامیل‌ها و از همه حلالیت طلبید. دست‌آخر هم بردمان حرم، خدمت امام رضا علیه السلام. خودش بچه‌ها را یکی یکی برد دور ضریح و طواف داد. از حرم که آمدیم بیرون، گفت: «امشب سفارشتون رو به امام رضا علیه السلام کردم. به آقا گفتم: 'من دارم می‌رم جبهه. شما به بچه‌های من سری بزنید!' گفتم از شما خبر نگرفتم. اگه یک وقت کاری داشتید، برید به امام رضا علیه السلام بگید. من شما رو ن امام رضا علیه السلام»^۱

نصف، ساکنان ملک اعظم ۲، ص ۸۹.

شهادت
عبدالرحمن
پروانسی

فرمانده تیپ (۱۸)
جوادالائمه علیه السلام لشکر
(۵) نصر

راوی: همسر شهید
مزار: مشهد، بهشت
رضا علیه السلام

خط عاشقی
خاطراتی از عشق شهدا به ام

پروانسی

صنّیع خانّی

ص، خانّه سید
برز، یدرد امام رضا علیه السلام. برای
این ب سگ تمام می گذاشت. خودش
می افتاد وسط و همه کارها را انجام می داد.
شور و اشتیاق عجیبی داشت برای این
برنامه. سعی می کرد همه چیز به نحو احسن
باشد.

دو سال پیش از شهادتش، توی مجلس
عزای آقا امام رضا علیه السلام رو به من کرد و گفت:
«امشب حاجتی دارم که خود آقا باید شفیع
شوند.» حدس زدن حاجتش کار سختی
نبود. توی این سال های بعد از جنگ، به تنها
چیزی که فکر می کرد، جانمندن از قافله
شهادا بود و رسیدن به درجه شهادت. آخر
هم امام رضا علیه السلام شفیع شد و سید، همنشین
یاران شهیدش.^۱

۱. نک: روزنامه کیهان، ۲۰ مهر ۱۳۸۴.



تولد: قم، ۱۳۴۰

شهادت: بر اثر
مجرورحبت شیمیایی،
۱۳۷۴



شهادت

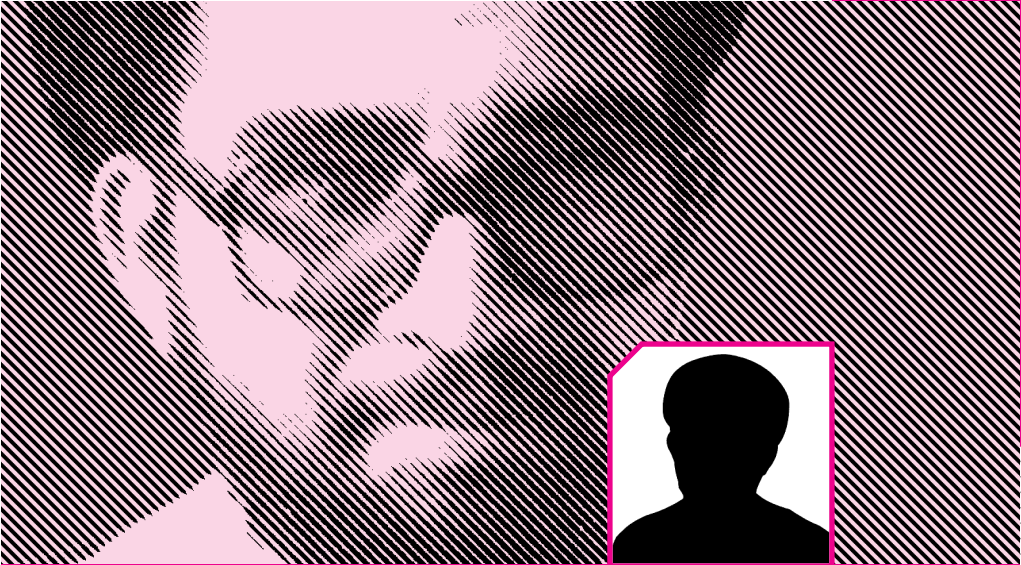
صنّیع خانّی

قائم مقام بنیاد تعاون سپاه
باسداران انقلاب اسلامی

راوی: مصطفی باغبان

مزار: تهران، بهشت

زهرا علیها السلام



شهادت: جزیره مجنون، ۱۳۶۵

تولد: قم، ۱۳۴۰

همیشه از من می‌خواست برایش دعا کنم تا گنم بماند. با لحنی که انگار توی دلش حسرت کِش یک آرزوی بزرگ باشد، می‌گفت: «مادر، می‌دونی چقدر از جوون‌های پاک و بااخلاص این مملکت شهید شدند! می‌دونی تا حالا، چند تا از رفیق‌های من پر کشیدند و به آرزوشون رسیدند!»

آخرین باری که از جبهه آمد، رفت مشهد. آنجا دلش را دخیل پنجره فولاد کرده و از امام رضا علیه السلام شهادت خواسته بود. امام رضا علیه السلام هم که کسی را از درگاه لطفش ناامید رد نمی‌کند، حاجتش را داد و سید محسن هم به آرزویش رسید.^۱

حجت الاسلام و المسلمین

شهید
سید محسن
روحانی

مسئول آموزش

عقیدتی سیاسی لشکر (۱۷)

علی بن ابی طالب علیه السلام

راوی: مادر شهید

مزار: قم، گلزار شهدای

علی بن جعفر علیه السلام

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

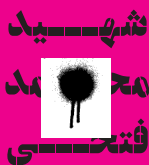
۱. نک: تقی متقی و حسین صنعت پور امیری، علمداران سرفراز، ج ۱، ص ۸۵.

روحانی



تولد: قم، ۱۳۵۰

شهادت: شلمچه،
۱۳۶۶



قائم مقام بنیاد تعاون سپاه
یاسداران انقلاب اسلامی

راوی: برادر شهید

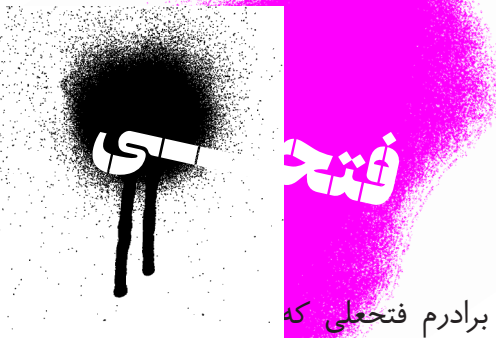
مزار: قم، گلزار شهدای

علی بن جعفر علیه السلام

خط عاشقانه

خاطراتی از عشق شهیدا به امام رضا علیه السلام

۶۹



برادرم فتحعلی که محمد به جبهه گره خورد. مادرم راضی نمی‌شد. خیلی به این‌در و آن‌در زد: اما فایده نداشت. قرار بود پدر و مادرم بروند مشهد. وقت رفتنشان، یک نامه و یک اسکناس پنجاه تومانی داد به مادرم و گفت: «مادر، این نامه و پول رو بندازید توی ضریح امام رضا علیه السلام». مادرم پرسید: «توی نامه چی نوشتی پسرم؟» محمد جواب داد: «چیز مهمی نیست. مشکل کوچیکی دارم که از آقا خواستم حلش کنند.» کنجکاو شده بودم. پرسیدم: «داداش توی نامه چی نوشتی؟» گفت: «بذار جوابش رو بگیرم، بعد بهت می‌گم.»

درست فردای روزی که پدر و مادرم از مشهد برگشتند، محمد آماده شده بود برای رفتن به جبهه. تازه سَر آن نامه را فهمیدم. امام رضا علیه السلام مادرمان را راضی کرده بود!



تولد: سبزوار، روستای برغمد،
۱۳۴۵

شهادت: سبزوار، بر اثر ترور، ۱۳۶۴

شهید
توسی
برغمادی

راوی: شیخ محمد
بهشتی نیک

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به اما

همسایگی و همجواری با امام رئوف، از آرزوهای همیشگی اش بود. خیلی دوست داشت مشهد زندگی کند. می گفت: «دوست دارم برم مشهد، زیر سایه امام رضا علیه السلام و کنار حرم، مجاور آقا باشم.» گفتم: «عباس، تو که توی مشهد خونه نداری!» جواب داد: «ان شاء الله با عنایت امام رضا علیه السلام کار می کنم و توی مشهد خونه می خرم؛ حتی اگه از نظر مالی ... مضایقه باشم و به سختی بیفتم، این می دم.»^۱

۱. عرسانی کنگره بزرگداشت سرداران و ۲۳۰۰۰ خراسان.

برغمادی

تراویح

از به شهنش هوای
امام رضا علیه السلام دوست دارد
برود مشهد. به نزدیک بودن
عملیات اجازه نداد. چیزی نگذشت که خبر
شهادتش را آوردند؛ اما از جنازه خبری نبود.
پدرمان سه روز تمام، در معراج شهدا دنبال
جنازه اش می گشت. فایده ای نداشت. یاد
حسن که می افتاد، گریه می کرد. اینکه
آرزوی مشهد به دلش مانده بود، حسایی
آزارش می داد. مانده بودیم در بلا تکلیفی که
خبر دادند جنازه را اشتباهی برده اند مشهد؛
با اینکه هم پلاک داشت و هم روی تابوتش
نوشته بودند: «شهید اعزامی از قم».

حسن را همراه شهدای مشهد، دور ضریح
طواف داده بودند و تازه، زمان تحویل
پیکرها به خانواده شهدا برای تشییع،
فهمیده بودند که این شهید از قم است! این
بار هم، زیارتش را کرد و دور امام رضا علیه السلام
چرخید، ولی با پیکر خونین.^۱

۱. برگرفته از اسناد موجود در مؤسسه فرهنگی حماسه هفده.



تولد: قم، ۱۳۳۷

شهادت: فاو، عملیات
والفجر (۸)، ۱۳۶۴

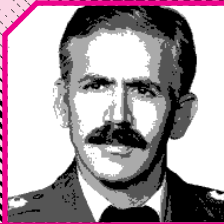
شهید
محمد حسن
تراویحیان

جانشین طرح و عملیات
لشکر (۲۷) محمد
رسول الله صلی الله علیه و آله

راوی: برادر شهید

مزار: قم، گلزار شهدای

علی بن جعفر علیه السلام



تولد: تهران، ۱۳۱۵

شهادت: منطقه لولاند، ۱۳۶۴

فدائیان
 شهید
 حسین
 آبخشنامان

فرماندهٔ قرارگاه حمزه
 ولشکر (۲۳) نیروهای
 مخصوص

راوی: همسر شهید
 مزار: تهران، بهشت
 زهرا علیها السلام

برای انجام هر کاری، دلش را متوجه امام رضا علیه السلام می‌کرد و می‌گفت: «باید برم از مولایم اجازه بگیرم.» برای همین، وقتی مسئولیت فرماندهی تیپ را به او پیشنهاد کرده بودند، گفته بود: «یک هفته فرصت می‌خوام؛ بعد جواب می‌دم.» آمد خانه و گفت: «آماده شو باهم بریم مشهد.» پرسیدم: «مشهد برای چی؟» گفت: «می‌خوام برم پیش امام رضا علیه السلام اجازه بگیرم و مشورت کنم تا ببینم قبول فرماندهی تند ... ملاحه یا نه.»

ارت، فرماندهی را قبول کرد.^۱

رزادی، روشن‌تر از آبی، ص ۱۰.

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام ۴

آبخشنامان



شهادت: شلمجه، عملیات
بریلای (۵)، ۱۳۶۵

تولد: اصفهان، ۱۳۴۴

آخرین باری که پابوس امام رضا علیه السلام رفت، سومین فرزندمان را باردار بودم. گفت: «تو هم بیا. باهم می‌ریم زیارت.» آن موقع، اهواز بودیم. با وضعیتی که داشتم، سفر از اهواز به مشهد، آن‌هم با دو تا بچهٔ قدونیم قد و یک توراهی، سخت بود. تنها رفت. عبدالله شیدای امام رضا علیه السلام بود و من همیشه از آقا می‌خواستم حفظش کند؛ اما نمی‌دانم در این سفر به امام رضا علیه السلام چه گفت که زود پر کشید

حجت الاسلام والمسلمین

شهادت
تسبیح الله
همیشه‌ی

نمایندهٔ امام (ره) در

قرارگاه خاتم الانبیا علیهم السلام

راوی: همسر شهید

مزار: گلزار شهدای

اصفهان

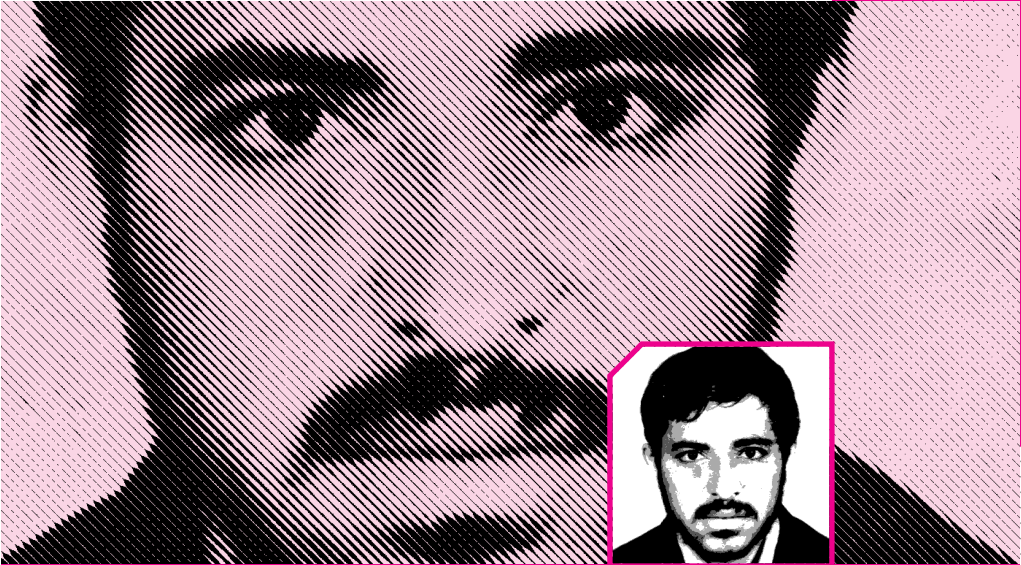
خط عاشقی

خطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۷۴

۱. نک: مهرالسادات معرک‌نژاد، چهل روز دیگر، ص ۲۲

همیشه‌ی



شهادت: هویزه، ۱۳۵۹

تولد: اهواز، ۱۳۳۷

یک سال بیشتر بود که دانشگاه مشهد درس می‌خواند. توی این مدت، حسابی خودش را به امام رضا علیه السلام نزدیک کرده بود. اصلاً برای رفتن به حرم و زیارت، برنامه داشت! هرشب، یک ساعت قبل از اذان صبح، از خواب بیدار می‌شد و وضو می‌گرفت و می‌رفت حرم. نماز شب را هم آنجا می‌خواند، کنار امام رضا علیه السلام.^۱

شهید
سید
علم الهدی

فرمانده سپاه پاسداران
انقلاب اسلامی هویزه

مزار: گلزار شهدای هویزه

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۱. نک: سیدحمید علم الهدی، لحظه‌های آشنا، ص ۱۵.

علم الهدی



تولد: بجنورد، روستای
کلاته، ۱۳۲۶

شهادت: حوالی اهواز،
بر اثر سقوط هواپیما
توسط بعثیان، ۱۳۶۴

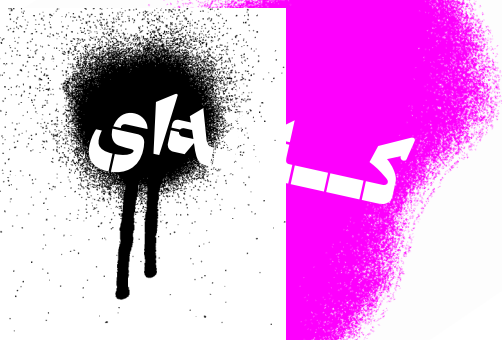
شهادت
حاج شهید
کلاته‌ای

نمایندهٔ مردم بجنورد در
مجلس شورای اسلامی

راوی: همسر شهید

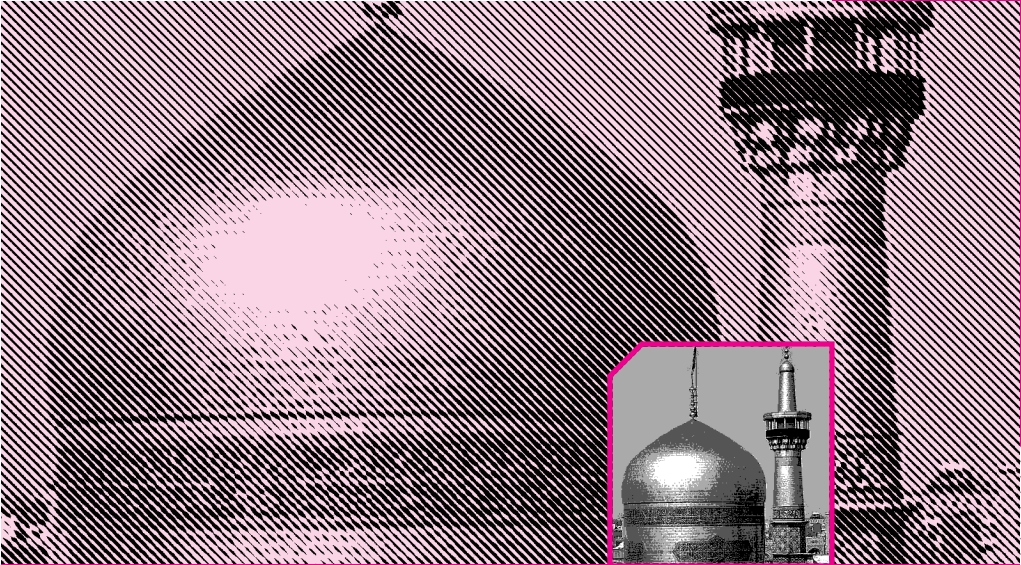
مزار: بجنورد، گلزار

شهادی روستای کلاته



علاقه‌اس داشت. شهید از تهران برود مشهد و بیاید بجنورد. به هر دری زدم، فایده نداشت. قبول نکردند. با این حال، خواست خدا و عنایت امام رضا علیه السلام بود که جنازه‌اش به جای بجنورد، سر از مشهد درآورد. فرصت مناسبی بود. هماهنگی کردم و پیکر حاجی را بردیم توی حرم، کنار ضریح. خوش به سعادتش! حرم خلوت خلوت بود و خادم‌ها داشتند مرقد را عطرافشانی و غبارروبی می‌کردند. برایشان عجیب بود و غبطه می‌خوردند به این‌همه توفیق که جنازه باید درست وقتی بیاید که دور ضریح خلوت است و رواق نورانی، خالی از جمعیت!

۱. نک: روزنامهٔ قدس، مصاحبه با همسر شهید، ۲۱ شهریور ۱۳۸۷.



شهادت: نامعلوم

تولد: نامعلوم

هر روز، کار تفحص را با توسل به نام یکی از اهل بیت (علیهم السلام) شروع می‌کردیم. آن روز، شرهانی رنگ‌وبوی مشهدالرضا را گرفت. ورد لب‌هایمان «یا امام‌رضا (علیهم السلام)» بود که کار شروع شد. مثل هر روز، مشغول کندن زمین و جست‌وجو میان خاک‌ها شدیم. با عنایت امام هشتم (علیهم السلام) یک شهید پیدا شد که برای ما دنیایی‌ها، گمنام گمنام بود؛ هیچ مدرکی برای شناسایی، همراهش نداشت؛ جز یک برگه که شته شده بود: «هرکه شود بیمار رضا، امدار خدا!»^۱

شهید
گمنام



راوی: محمد احمدیان

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام‌رضا (علیهم السلام)

۱. ی، آسمان مال آن‌هاست (کتاب تفحص)، ص ۱۹.

گمنام



تولد: مشهد، ۱۳۴۱

شهادت: بیرانشهر، ۱۳۶۲

روز تولد امام رضا علیه السلام به دنیا آمد؛ به همین خاطر، اسمش را گذاشتیم رضا. وقتی خیلی کوچک بود، مریضی بدی گرفت. بردیمش حرم و همان جا شفایش را از حضرت گرفتیم. این بچه، بیشتر اوقات، توی حرم بود: از بس به امام رضا علیه السلام علاقه داشت! خیلی زیارت نامه می خواند. با سوز هم می خواند. شاید توی همین نجواها و درد دل ها با امام رضا علیه السلام بود که حاجتش را گرفت و پر کشید.

جنازه اش را که آوردند، توی حرم دفنش کردیم و شد زائر همیشگی امام رضا علیه السلام.^۱

شهر شهید رضا ابوبکر سبزه زاده سدرابی

فرمانده گردان ذوالفقار
تیپ ویژه شهید

راوی: خانواده شهید
مزار: حرم مطهر
امام رضا علیه السلام

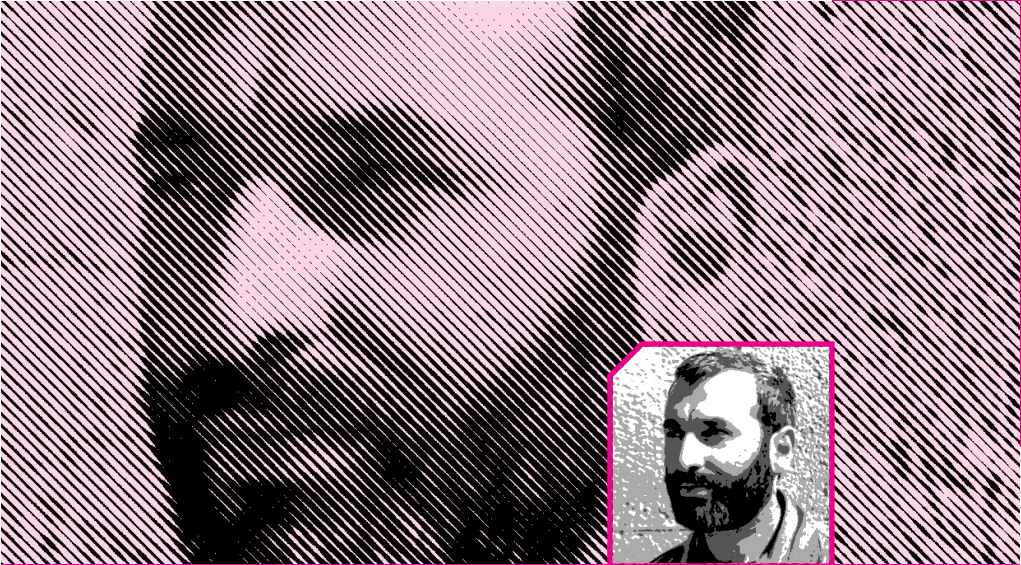
خط عاشقانه

خطراتی از عشق شهیدا به امام رضا علیه السلام

۷۷

۱. نک: سیدسعید موسوی، فرهنگ نامه جاودانه های تاریخ (زندگی نامه فرماندهان شهید استان خراسان رضوی)، ص ۱۸.

سدرابی



شهادت: شلمجه، عملیات کربلای (۵)، ۱۳۶۵

تولد: مشهد، ۱۳۳۰

پیش از شهادت وصیت کرد و خواست که اگر شهید شد، جنازه‌اش را در حرم مطهر امام رضا علیه السلام دفن کنیم. هرچند کار سختی به نظر می‌رسید، با این حال وقتی شهید شد، درخواست بابا را مطرح کردیم و به لطف خدا و عنایت امام رضا علیه السلام مسئله حل شد. خوشحالم که به آرزویش رسید. تا زنده بود، دل در گرو امام رئوف داشت؛ با شهادت هم همسایه همیشگی‌اش شد.^۱

شهید
محمد
عبادیان

معاونت پشتیبانی و
تدارکات لشکر (۲۷)
محمد رسول الله صلی الله علیه و آله

راوی: فرزند شهید

مزار: حرم مطهر
امام رضا علیه السلام

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا

۱. نک: پایگاه اطلاع‌رسانی کنگره بزرگداشت سرداران و ۲۳۰۰۰ شهید استان‌های خراسان.

عبادیان



تولد: کاشمر، ۱۳۲۱

شهادت: سوسنگرد،
۱۳۵۹

شهادت
شهادت
اولین پیاپی

نماینده مردم بجنورد در
مجلس شورای اسلامی

راوی: علی عاصمی

مزار: کاشمر، آرامگاه

شهید مدرس رحمته

خط عاصمی • خاطراتی از عشق شهیدا به امام رضا علیه السلام

۷۹

ی



نر
ما، از
جبهه
فایده نداشت
ناراحت شد.
است، با ناراحتی،
برگشت، با اطمینان رو به ما کرد و گفت:
«شک نکنید منم همراه شما میام.» گفتیم:
«آخه اسم تو که توی لیست نیست.» جواب
داد: «این چیزها مهم نیست. من از اینجا
یکراست رفتم حرم. از خود امام رضا علیه السلام
خواستم که مشکلم رو حل کنه. آقا کسی رو
ناامید نمی کنه.»

صبح که شد، از اهواز تماس گرفتند و
گفتند: «هرچی نیرو دارید، بفرستید.»
می خنندید و می گفت: «دیدید گفتم
امام رضا علیه السلام کسی رو ناامید نمی کنه.»^۱

۱. نک: روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۱ آبان ۱۳۶۵، ص ۸.

نماز صبح را که خواندیم، دستم را گرفت و شروع کرد به تعریف خاطره‌ای از سفرش به روسیه. رفته بودند تا موشک فوق‌العاده پیشرفته‌ای را از روس‌ها تحویل بگیرند. از ژنرال روسی خواسته بود که فناوری این موشک را هم در اختیارشان بگذارند. ژنرال خندیده و گفته بود: «امکان ندارد. این فناوری، فقط در اختیار روسیه است.» شهید تهرانی مقدم نگاهش کرده و گفته بود: «ما این موشک رو می‌سازیم.» ژنرال باز هم خندیده بود.

وقتی برگشته بودند ایران، خیلی تلاش کرده بود تا نمونه آن موشک را بسازد؛ اما مدام به در بسته می‌خورده است. تا اینکه به فکرش رسیده بود که برود خدمت امام رضا علیه السلام و از ایشان کمک بخواهد. سه روز تمام، در حرم توسل کرده بود تا راهی به ذهنش برسد. روز سوم احساس کرده بود که عنایتی شده است. مدلی به ذهنش رسیده بود که سریع، روی دفترچه نقاشی دخترش کشیده بود. وقتی که در تهران عملی‌اش کرده بود، دیده بود که از موشک مدل روسیه هم بهتر است!^۱

۱. نک: پایگاه اطلاع‌رسانی تسنیم.



تولد: تهران، ۱۳۳۸

شهادت: ملارد، پادگان
امیرالمؤمنین علیه السلام، بر
اثر انفجار زاغه مهمات،
۱۳۹۰

شهید
حسن
تهرانی مقدم

راوی: علیرضا زاکانی،

مزار: تهران، بهشت
زهرا علیه السلام



شهادت: خرمشهر، عملیات
ربلای (۵)، ۱۳۶۵

تولد: مشهد، ۱۳۳۷

شهادت محمد باقر صادق چراغی

مسئول محور عملیاتی
لشکر (۵) نصر

راوی: تعدادی از

دوستان شهید

مزار: مشهد، بهشت

علیه السلام

زیارت رفتنش آداب خاصی داشت. اول غسل می کرد. خیلی مقید بود که پاک و خوشبو خدمت امام رضا علیه السلام شرفیاب شود. بیشتر، سحرها را برای خلوت با امام انتخاب می کرد. تنها هم می رفت. بعضی وقتها که ما همراهش بودیم، همین که از در صحن وارد می شدیم، برای رعایت ادب، دیگر حرف نمی زد؛ انگار که ما را نمی شناسد! وقتی به رواق می رسیدیم، روی دو زانو می نشست و پای در را می بوسه اذن دخول می خواند و تا اشک از چش نمی آمد، وارد رواق نمی شد.^۱

۱. نک: سعید عاکف، کلید فتح بستا



شهادت: هورالهیوزه، ۱۳۶۳

تولد: آمل، ۱۳۴۴

عادت داشت بعد هر عملیات برود پابوس امام رضا علیه السلام می گفت نذر دارم. هنوز نزدیک یک ماه مانده بود به عملیات بدر که آمد خانه و گفت: «مادرجون، بعد این عملیات میام و شما رو می برم زیارت امام رضا علیه السلام». رفت و توی همین عملیات شهید شد. وقتی رفتیم برای تحویل گرفتن جنازه اش، گفتند: «اشتباهی رفته است مشهد». جنازه محمد را برده بودند حرم امام رضا علیه السلام و طواف داده بودند دور ضریح؛ بعد هم آوردندش آمل. امام رضا علیه السلام این بار هم او را طلبید، مثل همیشه.^۱

شهادت
محمد
تیموریان

فرمانده گردان «یا

رسول الله صلی الله علیه و آله لشکر

(۲۵) کربلا

راوی: مادر شهید

مزار: آمل، گلزار شهدای

امامزاده ابراهیم علیه السلام

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۸۲

۱. نک: نشریه یالثارات، ش ۸۴، ۱۸ تیر ۱۳۷۹، ص ۱۱.



خط عاشقی
خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا (ع)

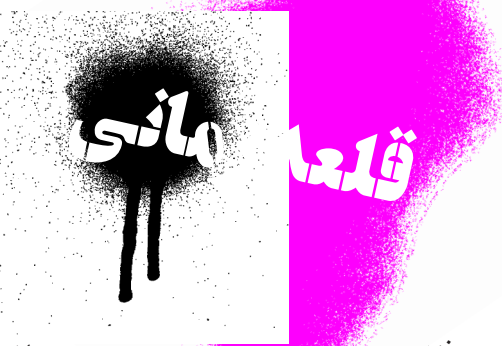
تولد: اصفهان، رهنان،
۱۳۴۵

شهادت: جزیره
مجنون، ۱۳۶۲

شهادت
حسین (ع)
قلعه زمانه

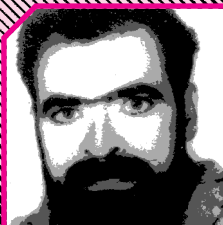
راوی: مادر شهید

مزار: گلستان شهدای
اصفهان



رفته . اما قبولش
 جبهه: ش را که
 پرسیده بود، گفته بر
 نمی‌توانند ثبت‌نامش کنند. هر کاری کرده
 بود که اسـمش را بنویسند، موفق نشده
 بود. با ناراحتی آمد خانه. یک ساک لباس و
 وسایل برداشت. پرسیدم: «کجا؟» گفت:
 «می‌رم مشهد تا مجاور حرم امام رضا (ع)
 بشم و از آقا بخوام مشکلم رو حل کنند.»
 رفت مشهد. یک هفته آنجا بود. بعدها
 فهمیدم این یک هفته، توی آشپزخانه حرم
 مشغول خدمت به زائران امام رضا (ع) بوده
 است. از مشهد که برگشت، کار اعزامش
 جور شد. امام رضا (ع) نه تنها برات حضورش
 در جبهه را داد، برگه شهادتش را هم امضا
 کرد.^۱

۱. نک: به‌کوشش گروه تدوین ستاد یادواره شهدای رهنان،
 سرگذشت سرفرازان، ج ۱، ص ۴۵۳.



تولد: مشهد، ۱۳۳۲

شهادت: ۱۳۶۲

زمانی که در مشهد ساکن شدیم، اولین کاری که انجام داد، این بود که رفت و برای خادمی حرم امام رضا علیه السلام ثبت نام کرد. همیشه می گفت: «امام رضا علیه السلام ضامن غریبانه. ان شاء الله ضامن ما هم می شه! من عاشق آقایم. دوست دارم جارو کش صحنش باشم؛ حتی اگه سعادت نداشته باشم صحن رو جارو کنم، حاضرم خیابون های اطراف حرم رو جارو بزنم.»^۱

^۱نگاه اطلاع رسانی کنگره بزرگداشت سرداران و ۲۳۰۰۰ خراسان.

شاهپسند
قریان محمد
محمد علی

راوی: فرزند شهید

مزار: مشهد، بهشت

رضا علیه السلام

خط عاشقی ● خاطراتی از عشق شهدا به امام رضا علیه السلام

۸۴

محمد علی

شه‌بازی

است که ثابت کردند در باغ شهادت، باز، باز است. امام رضایی به تمام معناست! روی سنگ قبرش نوشته‌اند:

توی این دنیای هستی که همش رو به فناست
من فقط یه دل دارم، اونم مال امام رضاست
مادرش می‌گفت:

خیلی دوست داشتم پسر داشته باشم.
یک سفر رفتیم مشهد. از امام رضا علیه السلام
خواستم پسری بهم عنایت کنند تا
اسمش رو بذارم رضا. نذر هم کردم: نذر
مسجد محمّون که معروفه به مسجد
امام رضا علیه السلام. خدا رضا رو بهم داد.
رضا چند تا کبوتر قشنگ سفید داشت.
می‌گفت: 'مادرجون، این‌ها کبوترهای
حرم امام رضا علیه السلام هستند.' شی‌ی که
فرداش خبر شهادتش رو آوردند، خواب
کبوترهاش رو دیدم. ظهر فردا تماس
گرفتند و خبر دادند که علیرضا کبوتر
امام رضا علیه السلام شد!



تولد: تهران، ۱۳۵۵

شهادت: فکه، حین
تفحص شهدا، ۱۳۸۰

شه‌بازی
علیرضا
شه‌بازی

عضو یگان تفحص
لشکر (۲۷) محمد
رسول الله صلی الله علیه و آله

راوی: مادر شهید

مزار: تهران، بهشت

زهرا علیها السلام

خط عاشقی

خاطراتی از عشق شهیدا به امام رضا علیه السلام

۸۵

مسابقه فرهنگی خط عاشقی

توضیحات شرکت در مسابقه

* پرسش‌ها از متن موجود طرح شده است و افراد بالای دوازده سال می‌توانند در مسابقه شرکت کنند.

* به‌روش‌های زیر می‌توانید در مسابقات فرهنگی شرکت کنید:

۱. ارسال پاسخ به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲: برای این کار، کافی است به‌ترتیب نام مسابقه و شماره گزینه‌های صحیح پرسش‌ها به‌صورت یک عدد سه رقمی از چپ به راست را، همراه با نام و نام خانوادگی خود، به سامانه پیامکی ۳۰۰۰۸۰۲۲۲۲ ارسال کنید.

مثال: خط عاشقی ۲۴۳ محمد عظیمی

۲. مراجعه به بخش مسابقات پرتال جامع آستان قدس رضوی، به‌نشانی:

www.razavi.aqr.ir

۳. پاسخ به پرسش‌ها در پاسخ‌نامه: پاسخ‌نامه تکمیل‌شده را می‌توانید به صندوق‌های مخصوص مستقر در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی فرهنگی بیندازید یا به صندوق پستی ۳۵۱-۹۱۷۳۵ ارسال کنید.

* هزینه ارسال پاسخ‌نامه از طریق قرارداد «پست جواب‌قبول» پرداخت شده است و لازم نیست از پاکت و تمبر استفاده کنید.

* آخرین مهلت شرکت در مسابقه، یک ماه پس از دریافت کتاب است.
* قرعه‌کشی از بین پاسخ‌های کامل و صحیح و به‌صورت روزانه انجام می‌شود و نتیجه آن نیز از طریق سامانه پیامکی گفته‌شده به اطلاع برندگان می‌رسد.

تذکر: پیشنهادها و انتقادهای خود را در پیامکی جداگانه ارسال کنید.

تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۹

پرسش‌ها

پرسش اول: شهید اسماعیل مهاجر منقوش در سفر به مشهد، از امام رضا علیه السلام

چه حاجتی خواست؟

۱. فرزند با ایمان ۲. زیارت با معرفت

۳. شهادت ۴. گزینه ۳ و ۲

پرسش دوم: ویژگی مهم شهید محمدحسین مهاجر قوچانی در کدام

گزینه آمده است؟

۱. اخلاق‌گرا و اهل عمل ۲. مردم‌دار و بااخلاص

۳. مداومت خاص به زیارت امام رضا علیه السلام ۴. بصیرت‌شناسی

پرسش سوم: شهید محمد تیموریان بعد از هر عملیات، چه کاری انجام

می‌داد؟

۱. رفتن به پابوس امام رضا علیه السلام ۲. رفتن به دیدار پدر و مادر

۳. خواندن دو رکعت نماز شکر ۴. گزینه ۳ و ۲

پاسخ‌نامه مسابقه فرهنگی خط عاشقی

نام و نام خانوادگی: نام پدر:

تحصیلات: استان: شهر:

تلفن ثابت باکد شهر: شماره همراه:

گزینه	۱	۲	۳	۴
اول				
دوم				
سوم				

لبه کاغذ را پس از برش، تا زده و بچسبانید

پست جواب قبول



فرستنده:

.....
.....
.....

کدپستی:

.....

----- از این قسمت تا شود -----

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۲۵۱ - ۹۱۷۳۴ پرداخت شده است.

طرف قرارداد: اداره تولیدات فرهنگی آستان قدس رضوی

صندوق پستی: ۲۵۱ - ۹۱۷۳۵